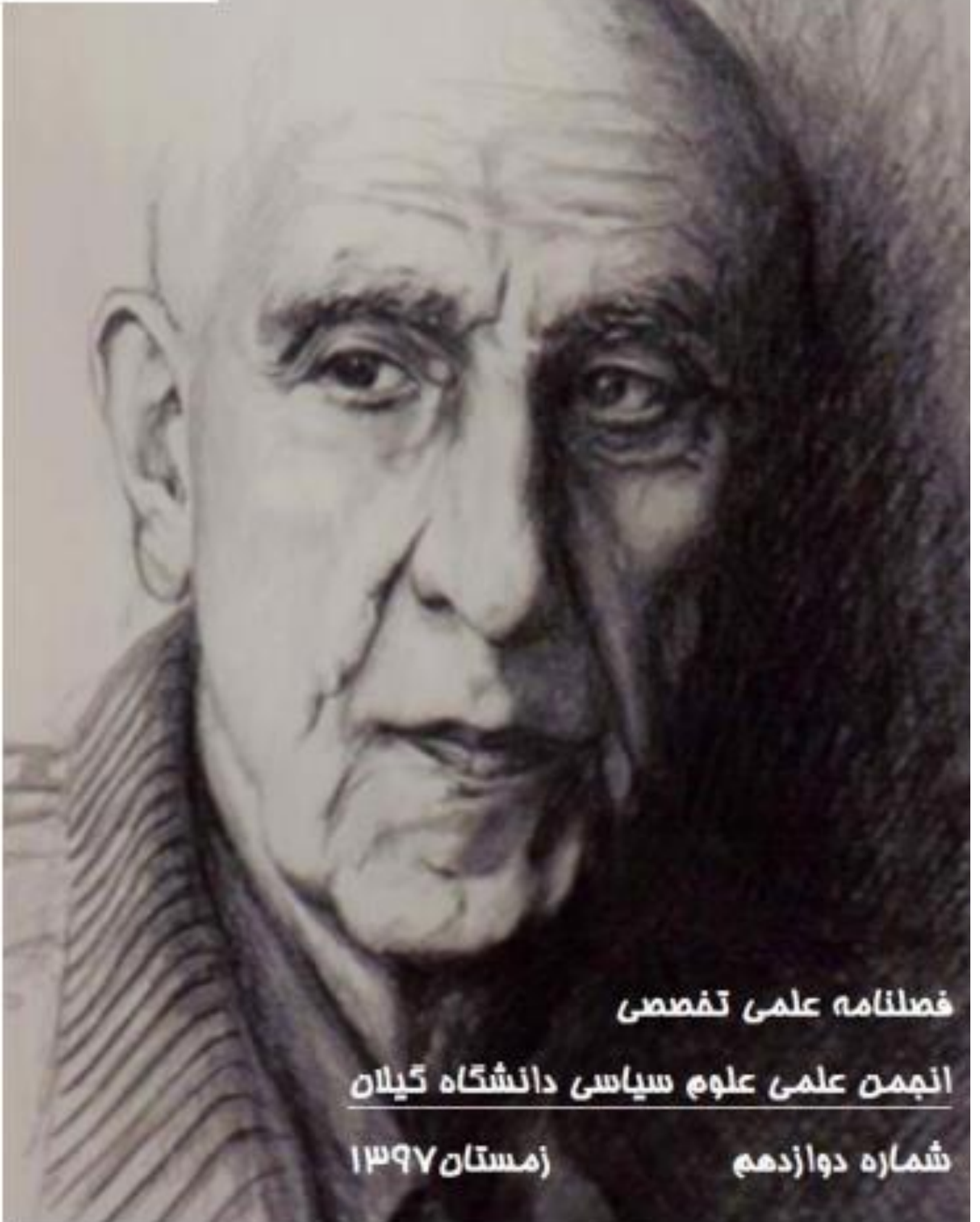


چیتا



فصلنامه علمی تخصصی

انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه گیلان

زمستان ۱۳۹۷

شماره دوازدهم



❖ سر دبیر: مریم فسروی  
❖ مدیر مسئول: آذین دفت جمال زاده  
❖ صامب امتیاز: انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه گیلان

❖ طراحی لوگو: متین اسلامی  
❖ طراحی جلد و صفحه آرای: فاطیما عالی زاده  
❖ دبیر هیئت تحریریه: سید مسین موسوی کردمیری

❖ همکاران این شماره:

آذین دفت جمال زاده، مریم فسروی، مسین عبداللهی  
پریسا علیدوست، سجاد کریمی، سید مسین موسوی کردمیری

## فهرست

- 1 ..... سفن سر دبیر
- 2 ..... عوامل گرایش سیاست فارسی پهلوی دوم به سمت ایالات متحده
- 5 ..... جایگاه زنان در ایران
- 9 ..... گذری بر روابط ایران و آلمان
- 12 ..... مروری بر واقعه ملی شدن صنعت نفت ایران
- 15 ..... علل گسترش سریع داعش در عراق
- 18 ..... چالش هند در ایجاد توازن در روابط با آمریکا و روسیه
- 20 ..... شرح مصاحبه با دکتر مهین سبحانی استادیار گروه حقوق دانشگاه گیلان
- 21 ..... شرح مصاحبه با دکتر رضا سیمبر استاد تمام گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه گیلان
- 23 ..... معرفی کتاب
- 25 ..... مروری بر عملکرد انجمن علمی علوم سیاسی در سال 97

## سفن سردبیر

سپاس خدای متعال را که توانستیم با همکاری و همیاری دانشجویان فعال علوم سیاسی و تلاش بی‌وقفه آنان دوازدهمین شماره نشریه دیپلمات را به چاپ و انتشار برسانیم، همانا تلاش همواره متضمن پیروزی و بهروزی است. هدف ما در این نشریه آشنایی و بررسی مسائل سیاسی و پی بردن به عمق و ریشه پدیده‌های متعدد و مهم سیاسی برای تسهیل تفکر و تعمق مخاطبان عزیز است و امید داریم که کوشش ما اسباب علاقه‌مندی خوانندگان را به علم سیاست فراهم آورد و سبب ترقی دانسته‌ها و افق دید ما گردد.

با شد که با مطالعه آنچه در این نشریه نگاشته شده است دغدغه در ذهن‌ها شکل گیرد و مخاطب به یافتن راهکار برای تغییر و برون رفت از مشکلات و شکل دهی به افکار و ایده پردازی سوق یابد.

ما در این شماره از نشریه سعی کردیم که به مسائل داخلی و خارجی ایران تأکید کنیم و دریابیم بحران‌های موجود چرا و چگونه شکل گرفته‌اند و راهبردهای ما در قبال این بحران‌ها چه خواهد بود، ناگفته نماند که باید توجه ویژه‌ای به نگرش‌های متفاوت و ناهمگون داشته باشیم و موضوعات را از دیدگاه افراد و گروه‌های مختلف مورد بررسی قرار دهیم (الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أَُولَئِكَ هُمُ الْوَالُونَ الْأَلْبَابُ).

در پایان از تمامی اساتید و بزرگوارانی که در این راه سخت ما را یاری کردند و پشتوانه ما بودند کمال تشکر و قدردانی را داریم.

به امید روزهای درخشان‌تر

مریم خسروی

تمایل پیدا کردن ایران به سمت امریکا شد. عوامل داخلی همچون ملی مذهبی‌ها، روحانیون و احزاب کمونیست نقش بسزایی در گرایش ایران به ایالات متحده داشتند. این عوامل هریک به‌زعم خود و در جهت اهداف سیاسی خود حکومت مرکزی را تحت فشار قرار می‌دادند و این نکته خود سبب می‌شد تا شاه ایران به دنبال پشتیبانی برای تثبیت قدرت خود باشد.

از دیگر عوامل مهم و تأثیرگذار در گرایش ایران به آمریکا عوامل منطقه‌ای بودند. خاورمیانه همواره قلب تپنده انرژی در جهان بوده و این سبب می‌شد تا قدرت‌های بزرگ به رقابت در این منطقه بپردازند و در این بین به دنبال بازیگرانی بودند که از طریق آن‌ها بتوانند این منطقه را کنترل کنند، حرکت کشورهای عربی به‌ویژه عراق به سمت شوروی از یک سو ایران را متمایل به آمریکا کرد تا بتواند در برابر رقبای خود بایستد و از سوی دیگر آمریکا را نیز تشویق کرد تا ایران را به‌عنوان متحد وارد نظام اتحادهای ضد شوروی خود در منطقه قرار دهد.

### تأثیر شوروی بر تمایل ایران به سمت ایالات متحده

یکی از چالش‌های مهمی که در روابط بین ایران و شوروی در میان بوده است، مربوط به غائله آذربایجان هست که مسئله پاسخ منفی ایران در قبال نفت شمال و عدم خروج نیروهای شوروی از خاک ایران نیز بر آن هم‌بار شد. غائله آذربایجان که در آن دسته‌های مسلح کمونیست مورد حمایت شوروی بودند در شهرهای شمال غرب کشور دست به قیام مسلحانه علیه دولت مرکزی زدند (ازغندی، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

حمایت‌های شوروی از عاملین غائله آذربایجان و رفتار مساعد با عوامل آن که نقشه تجاوز به ایران را در سر داشتند موجب نگرانی حکومت و تیرگی روابط ایران و شوروی شد، از سوی دیگر حملات شدید رسانه‌ای شوروی علیه ایران موجب تشدید این نگرانی‌ها و در نتیجه سوق دادن ایران به برقراری رابطه با آمریکا منجر گردید (مهدوی، ۱۳۷۳: ۱۲۳) دلیل دیگری که موجب



### عوامل گرایش سیاست خارجی پهلوی دوم به سمت ایالات متحده

\*سجاد کریمی

#### مقدمه

یکی از سؤالات رایج در رابطه با سیاست خارجی پهلوی دوم مربوط به چرایی گرایش به ایالات متحده است. این امر از دلایل بسیاری از جمله دلایل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نشأت می‌گیرد. آنچه در این نوشتار مورد بحث قرار گرفته دلایل سیاسی این گرایش است و در سطوح داخلی و منطقه‌ای و همچنین تأثیر شوروی به‌عنوان یک قدرت بزرگ جهانی در رقابت با آمریکا بررسی شده است.

شوروی را می‌توان عامل تأثیرگذاری در این گرایش دانست چراکه حمایت‌های شوروی از رقبای ایران و تکاپوی این کشور برای نفوذ و مداخله در ایران سبب شد تا شاه ایران به دنبال حامی برای مقابله با شوروی باشد.

شاید مهم‌ترین دلایل اختلاف تعارض بین ایران و شوروی حضور مستشاران آمریکایی در خاک ایران و انجام فعالیت‌های تحریک‌آمیز علیه شوروی بوده باشد. علاوه بر این پاسخ منفی ایران به درخواست‌های شوروی مبنی بر دادن امتیازهای همچون امتیاز نفت شمال و امتیاز شیلات بر این نارضایتی‌ها افزود و علاوه بر این موارد انجام فعالیت‌های تحریک‌آمیز از سوی شوروی در خاک ایران موجب تیرگی روابط ایران با شوروی و

تضاد میان ایران و شوروی و تمایل ایران به ایالات متحده شد حمایت‌های بی‌دریغ شوروی از احزاب کمونیست به‌ویژه حزب توده که از مهم‌ترین اهرم‌های فشار بر حکومت مرکزی ایران در جهت منافع اتحاد جماهیر شوروی بود که همواره یکی از جدی‌ترین نگرانی‌های شخص شاه به شمار می‌رفت. همچنین این حزب با صورت دادن اعتراضات گسترده باهدف تحت‌فشار قرار دادن حکومت مرکزی در جهت حرکت به سمت منافع شوروی باعث شد تا شکاف میان حکومت مرکزی ایران با شوروی پررنگ‌تر شود و ایران برای یافتن نیرویی که به کمک آن بتواند در برابر شوروی بایستد به آمریکا تمایل پیدا کند (مهدوی، ۱۳۷۳: ۱۹۴).

درگیری‌های مرزی بین ایران و شوروی که در نتیجه برخورد شدید حکومت با حزب توده بین ایران و شوروی شکل گرفته بود شخص شاه و نخبگان سیاسی را متوجه این موضوع ساخت که باید در مقابل فعالیت‌های تحریک‌آمیز شوروی و نفوذ اندیشه‌های کمونیستی که برای قدرت مرکزی مخاطره‌آمیز بود به‌سوی یک متحد قدرتمند حرکت کنند (مهدوی، ۱۳۷۳: ۱۲۴).

با این اوصاف شاه می‌پنداشت با توجه به مجاورت شوروی و قدرت و نیت تهاجمی و توسعه‌طلبانه‌اش، ایران برای جلوگیری از نفوذ شوروی در کشور و رخنه افکار کمونیستی می‌بایست با قدرتی دیگر که هم‌وزن شوروی باشد، متحد شود تا این‌گونه ثبات نظام سیاسی را در برابر مقاصد شوروی که پشتیبان گروه‌های مارکسیستی در درون محسوب می‌شد حفظ کند. این عوامل منجر گردید تا سیاست خارجی ایران به‌سوی ایالات متحده متمایل گردد، از سوی دیگر تمایل آمریکایی‌ها به برقراری رابطه با ایران که در حمایت ایالات متحده از حکومت ایران در غائله آذربایجان آشکار شد نیز تأثیر مضاعفی بر این امر گذاشت.

عوامل داخلی در این امر نقش پررنگی داشتند، چراکه خاستگاه مردمی همواره اهرمی پر قدرت در جهت‌دهی به سیاست‌های حکومت مرکزی است. از مهم‌ترین بازیگران این عرصه می‌توان به ملی-مذهبی‌ها، روحانیون و احزاب کمونیست اشاره کرد.

ملی-مذهبی‌ها که در کودتای ۱۳۳۲ دچار سرخوردگی شده بودند نیاز به همکاری تعامل با روحانیت را بیشتر احساس می‌کردند تا جریان اعتراضات آن‌ها علیه حکومت از پشتوانه محکم‌تری برخوردار باشد (بازرگان، ۱۳۶۳: ۱۸).

اما حکومت که خاطره خوشی از مصدق و جریان ملی‌گراها نداشت به برخورد با این جریان پرداخت، در واقع در این اثناء ایالات متحده پشتیبان قدرتمندی برای حکومت در برابر ملی-مذهبی‌ها بود و ابزار حقوقی برای مقابله با این گروه را برای حکومت فراهم می‌کرد، برای مثال ساواک یکی از بازوهای قدرتمند حکومت برای سرکوب گروه‌های گروه مخالف بود که از سوی ایالات متحده حمایت می‌شد (بازرگان، ۱۳۶۳: ۲۲).

همان‌طور که ذکر شد احزاب کمونیست در جامعه ایران به‌عنوان عنصری مهم و تأثیرگذار به ایفای نقش می‌پرداختند. هرجایی که سیاست‌های شوروی در ایران به مشکل برمی‌خورد از طریق این احزاب به‌ویژه حزب توده وارد عرصه شده و با اعمال فشار بر حکومت مرکزی به‌پیش برد سیاست‌های شوروی در کشور می‌پرداخت (ازغندی، ۱۳۸۸: ۲۲۳).

دخالت‌های احزاب کمونیست و فعالیت آن‌ها در جهت فشار بر حکومت در جهت خواسته‌های شوروی موجب تشدید تمایل حکومت به غرب گردید، در واقع این احزاب به عوامل شوروی در کشور بدل شده بودند. در نهایت مجموع این عوامل منجر به سوق دادن شاه و حکومت به‌سوی ایالات متحده باهدف کاهش نفوذ احزاب کمونیست در جامعه ایران شد (مهدوی، ۱۳۷۳: ۱۹۶).

بود و این عوامل همواره ترس از دست دادن جایگاه خود در منطقه را در وجود شاه ایران می‌پروراند، این مسئله موجب سوق دادن حکومت ایران به سمت ایالات متحده به عنوان یک قدرت جهانی به دلیل تثبیت جایگاه ایران در منطقه می‌شد (مهدوی، ۱۳۷۳: ۲۵۶). شاید مهم‌ترین رویدادی که شاه ایران را بیش‌ازپیش به آمریکا نزدیک کرد وقوع انقلاب در عراق بود که باعث بر هم خوردن معادلات منطقه شد و موجب شد نیروهای تندروی عرب در کنار یکدیگر قرار گرفته و یک هلال عربی در برابر ایران شکل گیرد. درواقع در درون عراق چپ‌گرایان که گرایش به شوروی داشتند نظام محافظه‌کار پادشاهی عراق را ساقط کردند و عراق به کانونی برای سیاست‌های خصمانه علیه ایران تبدیل شد. عراق به عنوان نیرویی انقلابی در پیوند با دیگر جمهوری‌های انقلابی عربی پادشاهی‌های محافظه‌کار و غرب‌گرای منطقه را به چالش گرفتند. با توجه به تمایل این دولت‌های عربی به بلوک شرق شاه ایران در مقابله با این همسایگان سعی در نزدیک‌تر شدن به ایالات متحده نمود و به نحوی با این رویکرد جایگاه و امنیت خود را در برابر همسایگان عرب تضمین کرد (مهدوی، ۱۳۷۳: ۳۴۸).

### منابع:

ازغندی علیرضا، ۱۳۸۸، روابط خارجی ایران، نشر قومس

بازرگان مهدی، ۱۳۶۳، انقلاب ایران در دو حرکت، نشر نراقی

مهدوی عبدالرضا، ۱۳۷۳، سیاست خارجی ایران در عصر پهلوی،

نشر البرز

از مهم‌ترین مخالفین داخلی شاه روحانیون و قشر مذهبی بودند که نسبت به دو جریان قبلی دیرتر وارد عرصه شدند، روحانیون که پایگاه قوی بین احاد جامعه داشتند به نوعی مهم‌ترین گروه گروه مخالف در تضاد با دولت پهلوی بودند. اساسی‌ترین رکن مخالفت این گروه با حکومت در راستای استکبارستیزی و ضد امپریالیستی بود، آنان که حکومت وقت را به عنوان مجری سیاست‌های امپریالیستی در کشور می‌دانستند به همین جهت به مخالفت با آن پرداختند. روحانیون که قدرت حکومت را تضعیف می‌کردند خود سبب تمایل حکومت به ایالات متحده برای حفظ قدرت می‌شدند و از سوی دیگر با به خطر انداختن منافع ایالات متحده، آمریکا را نیز به دخالت بیشتر برای حفظ منافع خود در ایران سوق داد (هاشمی و گلستانی، ۱۳۷۷: ۱۵). مهم‌ترین واقعه‌ای که حکومت و به ویژه شاه را بسیار برآشفته بیانی امام خمینی (ره) در مدرسه فیضیه و نطق کوبنده ایشان نسبت سیاست‌های حکومت و گرایش حکومت به استعمارگران غربی بود که سبب حضور بیش‌ازپیش توده‌های مردمی در اعتراض علیه حکومت گردید و پایه‌های استحکام دولت پهلوی را به لرزه درآورد موجب شد تا محمدرضا پهلوی برای مقابله با این بحران نزدیکی هر چه بیشتر به ایالات متحده را در پیش گیرد و برای سرکوب این عوامل متوسل به حمایت آمریکا شود (مهدوی، ۱۳۷۳: ۲۹۰). درواقع شاه از اعتماد به نفس و قدرت کافی برای مواجهه با این بحران‌ها برخوردار نبود و با کوچک‌ترین اعتراضات و آشوب‌های داخلی بقای نظام سیاسی خود را مستلزم اتحاد و کسب حمایت ایالات متحده می‌دانست.

### عوامل منطقه‌ای در گرایش ایران به ایالات متحده

سقوط دولت مصدق مقارن بود با ظهور جمال عبدالناصر که مهم‌ترین شخصیت جهان عرب بود که اندیشه اتحاد جهان عرب را در سر داشت، با این اوصاف حکومت ایران به طور مداوم متوجه تحرکات او بود. همچنین سیاست خارجی ایران با مخالفت شدید مصر و سایر دولت‌های عرب مانند سوریه مواجه



"به گفته لنین: تا زمانی که مالکین و سرمایه‌داران وجود دارند تساوی زن و مرد حتی در مقابل قانون نیز نمی‌تواند وجود داشته باشد. آنجایی که خبر از مالک و سرمایه‌دار نباشد آنجا که حکومت زحمتکشان زندگی جدیدی را بدون وجود استثمارگران بنا کنند شرایط تساوی بین مردان و زنان به وجود خواهد آمد." (ناهید، ۱۳۶۰)، این ایده و باور لنین بود که در پی پیروزی انقلاب بلشویکی در اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه در سیاست‌گذاری‌ها در دستور کار قرار گرفت.



### جایگاه زنان در ایران

\*پریسا علیدوست معاف

#### چکیده

در سایه انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب‌های صنعتی بساط کهن در اروپا برچیده می‌شود فریادهای آزادی‌بیداری و دموکراسی مساوات‌طلبی سرتاسر قاره اروپا را فرا می‌گیرد. حال زمان این است که در این مقاله به بررسی نحوه انتقال و انتشار آن به سایر قاره‌ها و کشورها به‌ویژه ایران را بررسی کنیم و ببینیم که آیا حضور زنان ایرانی در این روند مؤثر واقع شده و یا جایگاه آن‌ها در سپهر ایران چگونه بوده است؟

#### مقدمه

افکار آزادیخواهی سرانجام به‌وسیله روزنامه‌ها و مجلات و میسیونرهای مذهبی جهانگردان تجار نمایندگان دول اروپایی به ایران می‌رسد. شیوع این بیداری و مطالبه آزادی واقعی زنان از دوره‌ی رواج بورژوازی در ایران آغاز شد. نظام بورژوازی از دو طریق در پی خاموش نگه‌داشتن زن و مرد به‌ویژه زن و خالی کردن جایگاه او در تدابیر حکومتی و جامعه است. باوجود تمامی ایدئولوگ‌های غالب شده از سمت بورژوازی بازهم "آزادی زن بدون آزادی مرد و آزادی مرد بدون آزادی زن امکان‌پذیر نیست." (ناهید، ۱۳۶۰)

#### مسئله

در طول تاریخ مجموعه‌ای از عوامل و مناسبات اجتماعی و سیاسی اقتصادی زن‌ها را به در موضوعات و زمینه‌های مختلفی به حاشیه رانده بود، و اما عواملی که باعث شد زنان ایرانی زنجیر اسارت قجری را پاره کنند و دوباره پا به عرصه جاودانگی بگذارند:

#### آشنایی با فرهنگ و تمدن اروپایی

این آشنایی اولیه ریشه در روابط بین پادشاهان دوره صفوی و نادرشاه و کریم‌خان بود. کم‌کم باگذشت زمان گام بعدی مسافرت تجار ایرانی به ممالک اروپایی بود زیرا که آن‌ها طبقه‌ای از جامعه بودند که در طی سال‌ها باعث شده بود ایرانی‌ها در کوچه و بازارها به‌پای سخنان آن‌ها بنشینند و مسیر خود را در ایران و در زندگی تغییر دهند.

این‌گونه شد که نخستین مردان و نخستین زنان ایرانی که نقش‌های مهمی در جامعه خود داشتند به پی‌ریزی یکسری از ایدئولوژی‌ها بشوند. لذا باعث شد ایران دچار سونامی از موج‌های خروشان اصلاحات بشود. این سونامی قشرهای مختلف جامعه ایران با معانی از آزادی و دموکراسی برابری و ناسیونالیسم و حق حاکمیت ملی و .. آشنا ساخت.

درواقع روشنفکران، بازرگانان و تجار حاملان ایده‌هایی بودند که در اروپا رشد کرده بود آن‌ها این ایده‌ها را به جامعه پیشامدرن



تاج شاعره‌ای توانا و یا نمونه‌ی دیگر زنی از دیار زنجان موسوم به رستمه که هیچ‌گاه دست از تلاش برای دفاع از میهن خود برنداشتند اگرچه این جنبش جنبشی مذموم محسوب می‌شود اما درواقع امر از نیروهایی بودند که سعی می‌کردند جامعه محافظه‌کار ایران را به چالش بکشند. در مورد نمونه زنانی که ذکر شد گفته‌اند:

و حتی " در شجاعت به‌اندازه‌ی بانوان ساراگوس سزاوار ستایش‌اند. " (واتسن)

به‌راستی می‌توان نمونه‌هایی از این زنان موفق را با زنان شهید مدافع طی جنگ‌های تحمیلی مثال زد که بی‌وقفه بدون اینکه لحظه‌ای به چیزی جز آزادی سرزمین خود از اسارت فکر کنند آماده شدند تا جان و فرزندان خود را فدا کنند.

### گشایش مدارس

هنگامی که ایران از هر طرف زیر فشار است از یک‌طرف روسیه و از طرفی پنجه‌های استعماری انگلستان و دولت‌های فرصت‌طلب دیگر. که در پی یافتن جای پای در سرزمین ایران هستند. میسیونرهای مذهبی عازم ایران شدند و به فکر تأسیس مدارس شدند به سبکی نوین.

" به همین جهت در سال ۱۸۳۵ میلادی مقارن با ۱۲۱۴ هجری شمسی چند معلم مرد و زن آمریکایی به ارومیه می‌روند و در آنجا یک دبستان ۴ کلاسه پسرانه و دخترانه دایر می‌کنند. " (انصاف پور)

همچنین در این مدارس " دختران خواندن و نوشتن و خیاطی و خانه‌داری و انواع فنون مختلف را یاد می‌گیرند. و تعلیماتی از جمله زبان فرانسوی و به‌اختصار علوم مختلف از جمله جغرافیا و تاریخ. " (دیولافوا)

هم‌چنین عده‌ای از اشراف معلم یا معلمه‌ی سرخانه می‌گرفتند تا این فنون را به دختران آن‌ها بیاموزند.

ایران انتقال داده و در آن انتشار می‌دادند در نتیجه انتشار این ایده‌ها در جامعه‌ای شرقی و محافظه‌کار پیامدهایی به دنبال داشت و اما اکنون ما منتظر انفجار بشکه‌ای از باروت بودیم بشکه‌ای از جنس حکومت قاجارها و باروتی از جنس جنبش مشروطه.

" میرزا صالح شیرازی یکی از محصلان کاروان معرفت درباره ی اقتدار و احترام به زنان در فرنگ یک و نیم‌قرن پیش می‌نویسد: سرجان ملکم ایلچی ایران می‌گفت که: من در خانه خود محکوم به حکم زن خود هستم و از امور خانه هیچ خبر ندارم هر وقت وجه عمده‌ای ضروری است من حواله می‌کنم. " (مینوی)

حتی محمدعلی چخماق ساز اولین مردی بود که زنی فرنگی گرفت.

و اما در زمان پهلوی مسیری را که برای توسعه و نوسازی ایران پذیرفته بودند، الگوی ناقصی از غرب بود که تنها در ظواهر تمدن غرب متوقف می‌ماند. بالطبع زنان نیز در این دوره، بخشی از این الگو محسوب می‌شدند. به همین سبب در دوران پهلوی الگویی از زن معرفی می‌گردید که نه کاملاً الهام گرفته از غرب بود و نه نسبتی با جامعه و زنان ایرانی داشت.

طبیعی بود که این الگو نه عملی بود نه پذیرفتنی؛ به همین سبب هیچ‌گاه به توفیقی فراگیر در سطح جامعه دست نیافت. رژیم پهلوی همواره این الگو را حمایت و تبلیغ می‌کرد. این الگو که تأکید عمده آن بر ظواهر تمدن غربی بود، در درون کشور با مانعی جدی مواجه بود و آن تعالیم دین اسلام بود که نقاط افتراق فراوانی با زن مطلوب الگوی مذکور داشت.

### جنبش فکری

جنبش باب به زنان اجازه می‌دهد که نقاب از چهره بگیرند. و در کارهای اجتماعی دوش به دوش مردان بکوشند. زنانی مثل زرین

اما به‌راستی چه چیزی باعث شده بود که داشتن سواد و مسئله‌ی آموختن تا این حد برای همه از جمله بانوان سرزمین مهم واقع بشود؟

زنان ایرانی با نقل کردن این گفت‌وگوها با زنان دیگر باعث شکل‌گیری جریان روشنفکری و شکل جدید از روشنفکر بودن را رواج دهند.

"گفت‌وگو یک زن روشنفکر ایرانی با سواد با زنی که دارای سواد عادی است به‌گونه‌ای بود که زن با سواد عادی ادعا کرد که: همسرم که تاجر است به سرزمین هند رفته و می‌گوید به‌راستی هند اندازه‌ی یک دنیا است.

و زن روشنفکر در پاسخ می‌گوید که چگونه می‌شود قد یک دنیا باشد؟ با توجه به علم جیغ ریپی (جغرافیا) به تو ثابت می‌کنم که ایران وسعتش از دیگر ممالک بیشتر است."

(ناهید، ۱۳۶۰)

یکی از دیگر نتایج این فعالیت‌های بی‌وقفه زنان و تقلای آنان برای حضور در عرصه پرفراز و نشیب جامعه نحوه توجه و آموختن مسائل از فرزندان خود هستند. فرزندان که به مکتب‌خانه‌ها و مدارس برای آموزش فرستاده می‌روند و به‌طور اتفاقی زنان خانه‌دار خود را به‌ویژه مادران را در جریان کمک در انجام فعالیت‌های مکتب به درون این گودال تفکر می‌اندازند.

### زنان گیلانی در متن نبردها

زنان گیلانی مانند دیگر زنان ایرانی همواره نقش مؤثری در تعیین سرنوشت شهر خود داشتند به‌گونه‌ای که طبری در کتاب تاریخ خود با اشاره به هجوم یعقوب لیث به گیلان در حوالی سال‌های ۲۶۰ ه.ق درباره‌ی رشادت زنان دیلمی می‌نویسد: زنان مردم آن ناحیه به مردانشان گفتند: بگذاریدش به این راه درآید. که اگر آمد زحمت او را کم کنیم. با ما که او را بگیریم و برای شما اسیرش کنیم. (طبری)

از رشادت‌های زنان گیلانی می‌توان دو نمونه دیگر را نام برد:

اول: نمونه‌هایی از جنبش زنان گیلانی می‌توان از جمع شدن در مرکز رشت و آماده ساختن مقدمات اعتراض به قانون رضاخان در سال ۱۳۰۴ در باب اجرای قانون نظام‌وظیفه نام برد که سرانجام به لغو این قانون برای مدتی انجامید.

نمونه‌ی دیگر بست نشستن زنان لاهیجانی به علت ظلم حاجی میرزا حسین و اولاد عبدالوهاب مستوفی در تلگراف‌خانه‌ها اشاره داشت.

ازجمله زنان فعال در این دوره:

زینت پاشا فعال اجتماعی تبریز

دختر ناصرالدین‌شاه در یکی از عمارت‌های نامعلوم گیلان

قره‌العین یکی از زنان شاعره و فعال مذهبی

### زنان و مسیر توسعه

توسعه پایدار به‌عنوان یکی از بسترهای تعالی و رشد انسان، آنگاه می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد که با یاری و مشارکت همه گروه‌های اجتماعی و برای همه آنان صورت پذیرد. در میان گروه‌های اجتماعی زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و به دلیل ارتباط مستقیم آنان با گروه‌های سنی جوانان، نوجوانان و کودکان و نیز تأثیر بر نیم دیگر از جمعیت، یعنی مردان از مهم‌ترین و مؤثرترین گروه‌های اجتماعی به شمار می‌آیند، و این واقعیتی است که در جوامع درحال توسعه کمتر موردتوجه قرار گرفته است.

"توجه به نقش زنان در فرآیند توسعه از اوایل دهه هفتاد میلادی ناشی از دو واقعیت مهم: الف) عدم تحقق کلی نظریات توسعه در بهبود کشورهای جهان سوم و

ب) موقعیت نامطلوب اجتماعی، اقتصادی زنان در این کشورها بود. نتیجه آن‌که باوجود طرح رهیافت‌های مختلف برابری زنان

ورود زنان به جامعه و مشارکت آن‌ها در امر توسعه، نیاز جامعه جدید صنعتی به افزایش نیروی کار بوده است. در کشورهای

توسعه‌یافته، با توجه به کم شدن رشد جمعیت و رقابتی که در تولید وجود دارد، جامعه

ناگزیر به استفاده از نیروی کار زنان شد. لزوم ورود به بازار کار برای زنان، آموزش بیشتر و استقلال اقتصادی را برای آن‌ها به همراه آورد که هر دو از شاخصه‌های توسعه زنان در پی آن توسعه اقتصادی، اجتماعی کشورهای مذکور بوده است.

ولی در کشورهای در حال توسعه به دلیل توسعه نیافتگی اقتصادی، فرصت شغلی کافی حتی برای همه مردان حاضر در سن کار فراهم نیست و به همین منوال زنان کمتری هم شانس حضور در بازار کار را پیدا می‌کنند. از سوی دیگر، خارج از چرخه تولید بودن زنان، به عدم نیاز زنان به فراگیری مهارت و حرفه و در نتیجه به وابستگی دائمی آنان منجر می‌شود.

ناگفته پیداست که در حاشیه ماندن نیمی از نیروی کار یک جامعه، مجال چندانی برای توسعه در حوزه‌های دیگر را هم فراهم نمی‌کند.

شاه‌کلید دستیابی زنان به قدرت و در نهایت توسعه وضعیت و رشد همه‌جانبه این قشر، کسب آموزش و مهارت‌های لازم برای ورود به چرخه تولید و ارزش افزوده است. " و اما اسلام حضور و وجود زن را نخست در خانواده و پس از آن در اجتماع به رسمیت می‌شناسد " (دودمان) به بیان دیگر، به دنبال باسواد شدن زنان، بسیاری از فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی، نیمی از جمعیت جامعه، چگونه به رشد کشور کمک می‌کنند؟

### تلاش‌های زنان ایرانی

در ابتدا این سؤال مطرح می‌شود که زنان ایرانی تا چه حد برای عبور از ماریپیچ‌های زمانه خود و تلاش برای برهم زدن سکوت در مقابل حق و اعتقادات خود تلاش کرده‌اند؟

و مردان به نظریه رفاهی مساوات و فقرزدایی، نظریه کار آیی و نظریه توانمندسازی زنان توجه جدی شد. " (زارعی، ۱۳۹۵)

"در جامعه سنتی نسبت به زن ستم می‌شود و شرایط رشد برایش فراهم نبوده است و از همین رو زنان باید برای به دست آوردن حق خود و نیز تدارک دیدن امکانات برابر مسئولیت بپذیرند و وارد نوعی مبارزه با محیط شوند، حتی اگر به بهای سنگینی هم تمام شود. و ما هر یک باید تبدیل بشویم به مشوقی برای زنان خانواده. " (شریعتی، ۱۳۷۷)

برای درافتادن با جبرها و محدودیت‌هایی است که اجتماع بر آن‌ها تحمیل می‌کند.

دکتر علی شریعتی به صراحت می‌گوید که این جامعه است که نقش ثانویه به زن می‌دهد و تحمیل می‌کند و ابراز امیدواری می‌کند که تن به این موقعیت ندهند. شریعتی تفاوت میان زن و مرد را مشروعیتی برای عدم تساوی حقوق میان آن دو نمی‌داند. در نظر او نه تنها میان زن و مرد بلکه میان فرهنگ‌ها هم تفاوت وجود دارد. تفاوت یعنی «شخصیت»، اما منبع تبعیض و نابرابری نمی‌تواند باشد.

با توجه به موقعیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موجود در جوامع مختلف زمینه‌های متفاوتی برای افزایش سطح مشارکت زنان در توسعه آن جامعه به وجود می‌آید. گفته می‌شود تفاوت در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی کشورهای مختلف، زمینه‌ساز بروز این اختلاف‌ها در سطح مشارکت زنان در الیه‌های مختلف توسعه جامعه شده است.

شاید این سؤال در این بین قابل بحث باشد :

که آیا توسعه وضعیت زنان، یکی از مؤلفه‌های توسعه پایدار در یک کشور است؟

در زمینه نقش زنان در توسعه یک کشور آرای متفاوتی وجود دارد. اما بی‌اغراق یکی از مهم‌ترین دلایل برای صادر شدن اجازه



## گذری بر روابط ایران و آلمان

\*آذین دخت جمال زاده

### مقدمه

روابط دو کشور ایران و آلمان از پیشینه تاریخی و از سابقه‌ای ۵۰۰ ساله برخوردار است. آلمان کشوری تأثیرگذار در تاریخ ایران خصوصاً در زمان جنگ‌های جهانی اول و دوم بوده و روابط این دو کشور در طی دوره‌های مختلف دارای فراز و نشیب‌های زیادی بوده است، هدف این مقاله بررسی این روابط در دوران گذشته است.

ایران و آلمان دارای روابطی دیرینه و سستی با یکدیگر می‌باشند. در دوران ناصرالدین‌شاه و در سال ۱۸۸۵ میلادی دو دولت آلمان و ایران تصمیم به ایجاد روابط سیاسی و تأسیس سفارت در پایتخت‌های یکدیگر گرفتند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۳، ۳۰۱).

در بین سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۷ که موجودیت ملی ایران از سوی انگلیس و روسیه به مخاطره افتاده بود، از نظر سیاستمداران ایرانی، آلمان کشوری بود که می‌توانست به‌عنوان حکومتی که دیدگاهی استعماری نسبت به ایران نداشت، با ورود به صحنه ایران به‌عنوان قدرت ثالثی خود را مطرح کند و از ایران در برابر روسیه تزاری و بریتانیا حمایت نماید. از این رو آلمانی‌ها تنها امید حاکمان ایران بودند و اشتیاق برای برقراری روابط سیاسی و اقتصادی با آن کشور زیاد بود. آلمانی‌ها نیز بر این باور بودند که اجرای یک سیاست فعالانه در خاورمیانه، منافع آنان را به‌خصوص در بخش اقتصادی تأمین می‌کند از این رو با درخواست ایران همراهی کردند. (جی مارتین، ۱۳۶۸)

طبق آموزه‌های دین اسلام و جامعه‌ای اسلامی زنان همواره با پذیرفتن نقش بالا و حفظ حرمت‌ها و حریم خانواده و تربیت فرزندان از جنس وطن امروزه تلاش‌های زیادی کرده‌اند.

گرچه زنان در ایران در طول دهه‌های گذشته از حقوق بیشتری برخوردار شده‌اند اما در زمینه‌های مختلفی در مناسبات اجتماعی و اقتصادی زن‌ها نسبت به مردها آسیب‌پذیرتر هستند و امید می‌رود که در مسیر نیل به حقوق بایسته و شایسته خود جایگاه آن‌ها بیش از گذشته برای نیل به آنچه برای رشد و شکوفایی استعدادهای خدادادی آن‌ها لازم است ارتقا یابد.

### منابع :

انصاف پور، غ. (بدون تاریخ). قدرت و مقام زن در ادوار تاریخ. ص ۴۳۳.

دودمان، ل. (بدون تاریخ). همایش ایراندخت با محوریت معرفی جایگاه زن ایرانی در جامعه.

دیولافوا. (بدون تاریخ). سفرنامه.

زارعی، ف. ع. (۱۳۹۵). زن و توسعه پایدار. چکیده.

شریعتی، د. ع. (۱۳۷۷). مجموعه آثار.

طبری. (بدون تاریخ). تاریخ طبری.

مینوی، م. (بدون تاریخ). تاریخ و فرهنگ. ص ۴۱۶.

ناهید، ع. (۱۳۶۰). زنان ایران در جنبش مشروطه. تهران.

واتسن، ا. گ. (بدون تاریخ). تاریخ ایران. وحید مازندرانی ص ۳۶۲.

با پیروزی گذرایی که آلمان به دست آورد گرایش و همکاری پهلوی اول به آلمان هیتلری بیشتر شد، سلطه طولانی مدت انگلیس و روسیه مردم را به آن‌ها بی‌اعتماد و گرایش به آلمان داشتند بدین گونه حضور آلمان که مثبت تلقی می‌شد موجب نگرانی متفقین خصوصاً انگلستان بود. اتحاد جماهیر شوروی نیز سعی در جلب نظر ایران به خطر آلمان‌ها داشت.

پهلوی اول که به دنبال نیروی سوم برای تعادل قدرت میان روسیه و انگلیس بود در زمان حمله آلمان‌ها به روسیه فکر می‌کرد پیروزی واقعی از آن آلمان است و ترجیح داد طرف آلمان را بگیرد.

برخلاف تمامی هشدارهایی که به دولت ایران مبنی بر اخراج آلمانی‌ها داده شد، ایران به موقع اقدام به اخراج آن‌ها نکرد و وقتی تصمیم به اخراج گرفت ارتش سرخ شوروی به بهانه جلوگیری از سیاست‌های فاشیستی، ایران را اشغال کرد و حضور آلمانی‌ها در ایران تنها بهانه‌ای در دست متفقین شد تا به ایران یورش آورند. با اعلان جنگ ایران به آلمان به روابط سیاسی دو کشور خاتمه داده شد.

### دوره پهلوی دوم:

بعد از پایان جنگ جهانی دوم، روابط ایران و آلمان ابتدا با افتتاح نمایندگی نزد شورای عالی متفقین برقرار شد.

عبدالله انتظام با سمت سرکنسول ایران در آلمان نماینده نزد شورای عالی متفقین انتخاب شد.

ایران کشوری غنی و پرسود برای سرمایه‌گذاری، توجه آلمان را جلب نموده بود و این باعث شد این کشور طرح‌های وسیعی را به اجرا گذاشته و به سرعت یکی از طرف‌های اصلی تجاری ایران درآید؛ به طوری که در ده سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ آلمان در زمینه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران مقام اول را کسب کند. موافقت‌نامه‌های همکاری اقتصادی و فنی و قراردادهای مختلفی میان دو کشور نوشته شد که از جمله آن: قراردادی میان دو دولت

بنابراین روابط رسمی دو کشور ایران و آلمان به طور رسمی از سال ۱۸۷۳ میلادی بعد از سفر ناصرالدین شاه به آلمان در خلال سفرش به اروپا شروع شد.

### جنگ جهانی اول:

جنگ جهانی اول یک دوره مهم در همکاری ایران و آلمان بر ضد روسیه و انگلیس بوده است. آلمان سعی داشت از طریق سازماندهی و مدیریت با پول و اسلحه، ملت‌های مسلمان از جمله ترکیه، عراق، ایران و افغانستان را بر ضد انگلستان بشوراند و به این ترتیب با گشایش جبهه‌ای در جنوب، قدرت شوروی را برای جنگ مستقیم با آلمان کم کند. در این راستا می‌توان اعزام مستشار نظامی ویلهلم واسموس را نام برد که نقش مهمی در جنوب ایران علیه انگلیسی‌ها اجرا کرد. در ابتدای جنگ ایران طی اعلامیه‌ای بی‌طرفی خود را اعلام کرد ولی آلمان سعی داشت ایران را از بی طرفی خارج سازد و به نفع خود وارد جنگ کند. این حربه موفقیت‌آمیز بود و ورود لشگرهای روسی به شمال ایران مانع از آن شد که لشگر روسیه به قفقاز سرازیر شود. در ۱۹۱۵ آلمانی‌ها از حکومت موقتی ایران که به ریاست نظام‌السلطنه مافی در کرمانشاه تشکیل شده بود حمایت کردند (ابوالحسن

شیرازی، ۱۳۸۵، ۲۸۴-۲۸۲)

آلمان به مرور توانست در عرصه سیاست خارجی ایران ظاهر شود که نقطه اوج آن جنگ جهانی اول بود.

### جنگ جهانی دوم:

اگرچه شروع روابط دو کشور به دوران قاجار برمی‌گردد اما گسترش روابط و نفوذ آلمان در ایران در جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد.

یکی از مهم‌ترین دلایلی که توجه پهلوی اول را به آلمان جلب کرد برای ورود نیروی سوم و تعادل میان قدرت انگلیس و روسیه بود. ایران در آغاز جنگ جهانی دوم اعلام بی‌طرفی کرد.

به امضا رسید که به موجب آن حکومت آلمان متعهد می شد اعتباری تا ۳۵۰ میلیون مارک را که صاحبان صنایع آلمان حاضر شده بودند برای ساختمان پالایشگاه تهران در اختیار شرکت ملی نفت ایران واگذار نمایند، تضمین کند.

در سال های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۰ روابط سیاسی دو کشور وارد مرحله بحران و سردی شد.

محمدرضا پهلوی به همراه هیأتی به آلمان سفر نمود، دانشجویان ایرانی با حمایت وسیع مردم و دانشجویان آلمانی تظاهرات وسیعی علیه وی برپا داشتند به نحوی که در هنگام دیدار وی از اپرای برلین یک دانشجوی آلمانی به نام بنو اونه زرگ به دست پلیس کشته و در ادامه تظاهرات و زخمی و کشته شدن ده ها دانشجو، محمدرضا پهلوی متصور شد در به راه انداختن این تظاهرات دولت آلمان نقش دارد. بدین خاطر سفر خود را ناتمام و به ایران بازگشت.

بازدید ویلی برانت صدراعظم سوسیال دموکرات آلمان در رأس یک هیأت بازرگانی و سیاسی ۲۰ نفره از ایران در سال ۱۳۵۱ بحران دو کشور را خاتمه داد.

از نتایج این سفر: تهیه و تنظیم طرحی برای همکاری های درازمدت دو کشور بود.

به موجب این طرح آلمان نفت و گاز از ایران می خرید و در اکتشاف و استخراج منابع نفتی و ایجاد پالایشگاه نفت به ایران کمک می کرد و تکنولوژی آلمانی در اختیار ایران قرار داده می شد.

در دهه ۱۳۵۰ چه در زمینه سرمایه گذاری و چه در زمینه صادرات کالا به ایران، آلمان برای کسب مقام اول رقابت تنگاتنگی با رقیبان خود یعنی: آمریکا، اروپا و ژاپن پشت سر گذاشت.

در این دوره ده ها قرارداد همکاری صنعتی، فرهنگی و بازرگانی و دیدوبازدیدهایی در بالاترین سطح و عقد قراردادهای پر حجم بازرگانی و اقتصادی صورت گرفت.

می توان گفت در بین کشورهای عضو بازار مشترک، آلمان فدرال جایگاه خاصی را در بازرگانی خارجی ایران حائز بود، پیش گرفتن سیاستی تنها تجاری و بی طرفی در مسائل ایدئولوژیکی و سیاسی آلمان باعث می شد دولت ایران با تأکید بر آن همکاری خود با آنها را توجیه می کرد.

در کل می توان گفت اهمیت ایران برای آلمان به اندازه ای بود که این کشور با استفاده از تمامی امکانات سیاسی سعی می کرد از بروز کمترین کدورت در روابط سیاسی دو کشور جلوگیری کند.

### جمهوری اسلامی ایران:

در زمان شروع جنگ ایران و عراق کشور آلمان اعلام بی طرفی کرد و پس از خاتمه جنگ برقراری این روابط می توان گفت تقریباً منظم بوده است.

بر طبق آمار در سال ۲۰۰۱ آلمان پس از ایتالیا بزرگترین صادرکننده و واردکننده فرش و پسته نفت بوده است.

در دولت یازدهم آقای روحانی معان صدراعظم همراه با هیأتی بلندپایه به ایران سفر و از مقامات این کشور دیدار کردند.

### منابع:

ازغندی علیرضا، ۱۳۸۸، روابط خارجی ایران

حبیب اله ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۲

محمود خبازی

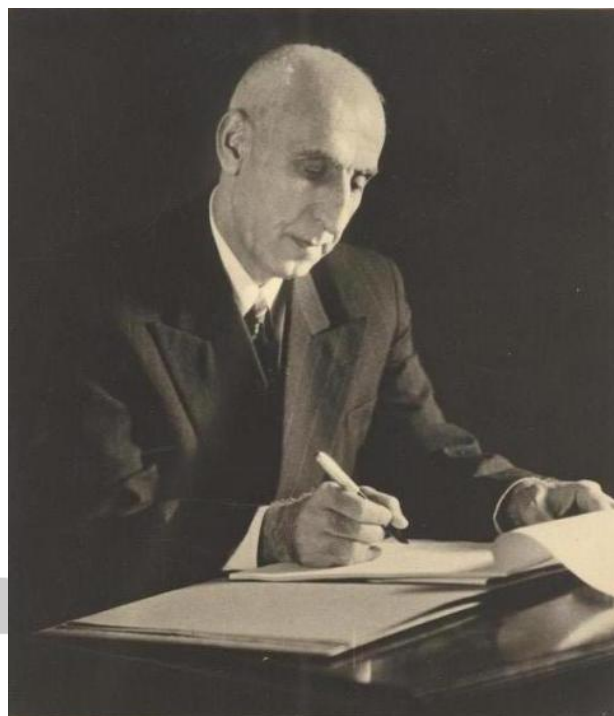
مرجان برهانی\_ حسین میرزایی

مطالعه تطبیقی سیاست خارجی آلمان در دوران شرویدر و مرکل در قبال جمهوری اسلامی ایران

مناسبات سیاسی\_ اقتصادی ایران و آلمان در بحبوحه جنگ جهانی دوم با تکیه بر اسناد ایرانی، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال هفدهم، شماره ۶۷، تابستان ۱۳۹۵



بازوی پر قدرت اقتصادی و سیاسی دولت انگلیس تبدیل شد و زمینه اعمال نفوذ و مداخله بیشتر انگلیسی ها را در ایران فراهم آورد. پس از انقلاب مشروطه همواره میان دولت ایران و انگلیس درباره نحوه عملکرد این شرکت و پرداختن سهام ایران اختلاف بود. سال ها بعد رضا شاه امتیاز نامه داری را با انگلستان به صورت یک طرفه لغو کرد و در زمان کوتاهی قراردادی دیگر منعقد کرد، بدین گونه سهم ایران بیشتر و منطقه جغرافیایی قرارداد به میدان های نفتی شناخته شده جنوب کشور محدود گردید و ۳۰ سال به مدت آن افزوده شد. اما در عوض بعد از جنگ جهانی دوم اهمیت نفت بیشتر میشود از تلاش های انگلیس برای حفظ موقعیت خود گرفته تا طمع شوروی بر منابع نفتی ایران. همچنین تلاش ایرانیان وطن پرست و مذهبپران برای پیدا کردن راهی برای رهایی از چنگال قدرتهای بزرگ این موقعیت را حساس تر کرده است. امتیاز نفت شمال و سیاست موازنه منفی مصدق پس از جنگ جهانی دوم قرار بر این شد تا نیروهای بریتانیا و شوروی ظرف مدت ۶ ماه از ایران خارج شوند اما شوروی نه تنها نیروهای خود را خارج نکرد بلکه بر تعداد آنها افزود. قوام نخست وزیر وقت ایران به مسکو رفت تا با شوروی بر سر خروج آنها از ایران مذاکره کند و قرار بر این شد تا ایران در عوض خروج آنها امتیاز نفت شمال را به شوروی بدهد، پس از مدتی معاون وزیر خارجه شوروی به ایران آمد تا این امتیاز را دریافت کند، مناطقی که شوروی میخواست تمامی استانهای شمالی ایران که در قرارداد ۱۹۰۷ انگلستان-روسیه فسخ شده جزء منطقه تحت نفوذ روسیه به حساب آمده بود را شامل می شد. بر طبق قراردادی که بین دولت ایران و سفیر شوروی انجام گرفت مقرر شد تا نیروهای شوروی این بار خاک ایران را ترک کنند و شرکت مختلط ایران و شوروی ایجاد شود اما لازمه این قرارداد تایید مجلس بود، اما تعدادی از نمایندگان مجلس به رهبری مصدق با این قرارداد مخالفت کردند. در این میان مصدق سعی کرد تا سیاست موازنه منفی را به کار گیرد که بر طبق آن نه تنها امتیازی داده نشود بلکه امتیاز های داده شده



## مروری بر واقعه ملی شدن صنعت نفت ایران

\*مریم خسروی

### مقدمه

۲۹ اسفند یاد آور رخداد بزرگی در تاریخ ملت ایران است. نهضت ملی کردن نفت واقعه ی کوچکی نبود، کشور انگلستان ابر قدرت بود و امتیاز نفت آن زمان در دست این کشور قرار داشت. حیات انگلیس بستگی به انرژی حاصل از نفت داشت زیرا هنوز نفت نقاط دیگر خاورمیانه به بهره برداری نرسیده یا در آغاز بهره برداری قرار داشت. اهمیت نفت ایران و ارزانی آن یکی از عوامل مهم تجاوز نیرو های نظامی بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی به خاک ایران در جنگ جهانی دوم بود. مسئله ای به نام نفت با پیشرفت و گسترش صنعت در مهمترین منبع تامین انرژی اهمیت فوق العاده ای یافت. اولین فواره های نفت در مسجد سلیمان فوران کرد و امتیاز کشف و استخراج نفت توسط ویلیام ناکس داری از مظفرالدین شاه دریافت شد. پس از تاسیس شرکت نفت پارس ۵۱ درصد سهام آن را خریداری کرد و انگلستان حق نظارت کامل آن را به دست آورد و بدین گونه این شرکت به

۱۳۲۸ جبهه ملی رسماً اعلام موجودیت کرد، ملی تنها به معنای ناسیونالیست نبود بلکه معانی همچون مردمی بودن، دموکرات بودن و وابسته نبودن به بیگانه را می داد.

### نمست وزیری (ره آرا و ترور او)

رزم آرا در ۴۷ سالگی نخست وزیر شد، او مردی جدی و سبک و نگرش و تکنیک کارش شبیه رضا خان بود، در این زمان لایحه قرارداد گس گلشانیان برای تصویب در کمیسیون در حال بررسی بود. آیت الله کاشانی در اعتراض به این قرارداد پیامی صادر کرد که توسط دکتر مصدق در مجلس قرائت شد، بلافاصله این اعلامیه منتشر می‌شود و بسیاری از سخنرانان در محافل و مساجد این قرارداد را محکوم می‌کنند و جوی از اعتراض نسبت به ماهیت این لایحه در جامعه شکل می‌گیرد. در ۱۹ آذر کمیسیون اعلام کرد که از این پس بحث‌های فراوان قرارداد برای استیفای حقوق ملت کافی نیست و این مخالفت در ۲۶ آذر در مجلس مطرح شد و اکثر نمایندگان به آن رای مثبت دادند و قرارداد از دور خارج شد. سپس گزارشی مبنی بر امضا به مجلس تقدیم شد، اما چون ۱۱ امضا برای ملی کردن نفت کافی نبود مطرح نشد. رزم آرا تلاش می‌کرد که راه خروجی از این بن بست پیدا کند و با تمام توان از ملی شدن نفت جلوگیری کند او در ۳ دی ماه در جلسه خصوصی مجلس شرکت و به شدت علیه ملی شدن صنعت نفت سخنرانی کرد و با صراحت گفت: ملی کردن نفت خیانت است. دو روز بعد غلامحسین فروهر وزیر دارایی به مجلس آمد و ضمن مخالفت با ملی شدن نفت لایحه قرارداد گس گلشانیان را استرداد نمود. در روز ۸ دی ماه به دعوت آیت الله کاشانی و برخی اعضای جبهه ملی جمعیتی چند هزار نفری در میدان بهارستان تجمع کردند و در خاتمه قطعنامه ای صادر کردند که در آن به استرداد قرارداد الحاقی اعتراض نمودند. رزم آرا که مانع اصلی برای ملی شدن نفت بود در صحن مجلس تهران به دست خلیل طهماسبی عضو جمعیت فداییان اسلام ترور شد. ارگان رسمی حزب کمونیست شوروی معتقد بود که آمریکایی ها در ترور رزم آرا

پس گرفته شود و در نهایت این طرح در مجلس تصویب نشد. حزب توده که حامی این قرارداد بود از رد پیشنهاد شوروی به خشم آمد و مجلس را به باد انتقاد گرفت، مصدق در روز بعد طی نطقی جواب روزنامه ها و کشورهای خواستار امتیاز را داد و طرحی را به مجلس پیشنهاد کرد که در ۳۰ مهر تصویب شد و بر منتفی شدن قرارداد نفتی ایران و شوروی تاکید شده بود و دادن امتیاز نفت به خارجی ها توسط دولت بدون تایید و تصویب مجلس امکان پذیر نبود و علاوه بر آن دولت باید درباره نفت جنوب و احیای حقوق نفتی ایران با انگلیس مذاکره کند. قرار داد الحاقی دولت انگلستان از عدم تصویب امتیاز نفت شمال احساس خشنودی کرد زیرا دست شوروی از منابع نفتی ایران کوتاه شده است، بنابراین برای حفظ سلطه خویش وارد مذاکره شد تا قرارداد مورد تاکید قرار گیرد. نویل گس به نمایندگی از جانب شرکت نفت برای مذاکره به تهران آمد و با گلشانیان وزیر دارایی ساعد به گفتگو نشست که منجر به قرارداد الحاقی گس گلشانیان گردید که در تیرماه ۱۳۲۶ به امضای دو طرف رسید. مهمترین نکته این قرارداد این بود که سلطه بر منابع نفتی ایران تضمین می‌شد و ایران به راحتی نمیتوانست آن را لغو کند. گلشانیان بعد ها در نامه ای خصوصی مینویسد که از جانب شاه، ساعد و شرکت نفت زیر فشار بوده تا نتواند مطالبات بیشتری از شرکت نفت درخواست کند. بدین ترتیب ساعد لایحه الحاقی را به مجلس فرستاد و توانست فوریت طرح را تصویب کند در حالی که فقط ۱۵ روز به عمر مجلس و تشکیل جبهه ملی مانده بود. به دلیل تقلب های صورت گرفته در انتخابات مجلس عده زیادی از مردم از جمله سیاستمداران و روزنامه نگاران جلو خانه مصدق جمع شده و او را تا سر در سنگی کاخ شاه که در همان نزدیکی بود همراهی کردند. مصدق ضمن انتشار بیانیه ای در اعتراض به تقلب های انتخاباتی دولت، خواهان لغو آن انتخابات شد. در این میان نیاز به یک چارچوب سیاسی احساس می‌شد که نام و برنامه مشخصی داشته باشد و سید حسین فاطمی پیشنهاد تشکیل ائتلاف جبهه ملی را داد. بنابراین در ۱۰ آبان

مهندس مهدی بازرگان به خوزستان فرستاد تا مراکز و تأسیسات نفتی را از حوزه اختیار شرکت خارج کند. حرکت ملی شدن نفت در شرایطی شکل گرفت که ایران بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت خام خاورمیانه بود و پس از آمریکا، ونزوئلا و شوروی سابق چهارمین تولیدکننده معتبر نفت دنیا محسوب می‌شد و ۹۰ درصد نفت خام موردنیاز اروپای غربی را تأمین می‌کرد. اما انگلیس تلاش می‌کرد تا کشورها را متقاعد کند تا از ایران نفت را خریداری نکنند و مصدق برای خنثی کردن اقدامات انگلیس و کسب درآمد برای کشور ترجیح داد که نفت خام را با تخفیف به فروش برساند.

### دفاع مصدق از حقوق ایران در مجامع بین‌المللی

دکتر مصدق رئیس دولت وقت ایران در نیمه دوم مهرماه ۱۳۳۰ به نیویورک رفت تا از حق ملی کردن نفت بودن در خود ایران و طرد نفوذ بیگانگان از ایران که مغایر استقلال و حاکمیت یک ملت است دفاع کند و مسبب بدبختی‌های ایران در قرن ۱۹ و ۲۰ مداخلات انگلیس در ایران و سیاست‌های آن دولت معرفی کرد. مصدق در ۳۰ مهرماه همان سال برای دیدار با ترومن رئیس جمهور آمریکا از حزب دموکرات وارد واشنگتن شد و با رفتار و سخنرانی‌های خود نظر مردم آمریکا را به ایران روشن کرد.

### منابع:

مصدق و نبرد قدرت، ۱۳۷۲ همایون کاتوزیان، نشر رسا

ملی شدن نفت، امیر قربانی، نشریه الکترونیکی سیاسی معاصر ایران (گذرستان)

بازار و نهضت ملی شدن صنعت نفت، شیوا صابری و محمد امیر شیخ ۱۳۹۱ نوری، دانشگاه اصفهان

تحلیل جامعه‌شناختی جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران علی اصغر مقصودی، ۱۳۹۰

نقش داشتند زیرا او میخواست دست آمریکا را از نفت کوتاه کند و دریافتند که وجود او به نفع ایالات متحده نیست.

### نقش بازاریان در ملی شدن صنعت نفت

جبهه ملی که نیروهای گرد آمده در آن هر کدام نماینده یکی از اقشار اجتماعی ایران به شمار می‌رفتند از سیاستمداران کارمندان و روشنفکران جوان تا بازاریان هسته اولیه جبهه ملی بودند. بازار به عنوان یکی از پایگاه‌های متصل به روحانیت و نهاد مذهبی می‌تواند در شناخت رابطه دولت و بازار در آستانه ملی شدن نفت موثر باشد. همزیستی بازار با مساجد و روحانیت نقش مهمی در جنبش‌های سیاسی-اجتماعی یک قرن اخیر داشت. بازار نهادی سیاسی-اجتماعی و اقتصادی است که شامل دکانداران، اصناف، پیشه‌وران، تاجران و کارگران میشود و تصویری از فرهنگ سنتی-اسلامی که قلب فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگ شهری تلقی میشود. حاج محمود مانیان و اعضای خانواده لباسچی از جمله بازاریان تهران بودند که حامی و طرفدار مصدق شدند. جانبداری بازاریان در اعلامیه‌ای که از سوی اصناف بازار خطاب به آیت الله کاشانی و دکتر مصدق صادر شد و به امضای بازاریان رسید از نمونه حمایت آنها از نهضت است. پس از نخست‌وزیری مصدق بازاریان به نزد سردار فاخر حکمت رئیس مجلس رفته و پشتیبانی خود را نسبت به مصدق و نهضت اعلام کردند و هشدار دادند در صورت عدم حمایت بازارها را تعطیل میکنند.

### ملی شدن صنعت نفت و نفست وزیر مصدق

در ۲۴ اسفند سرانجام ماده واحده ملی شدن صنعت نفت در مجلس شورای ملی مطرح شد و به اتفاق آرا به تصویب رسید و در ۲۹ اسفند مجلس سنا هم طرح ملی شدن صنعت نفت را به تصویب رساندند. دکتر مصدق با حمایت افکار عمومی، اتحاد و همکاری تنگاتنگ نیروهای ملی و مذهبی و پشتیبانی قاطع آیت الله کاشانی نخست‌وزیر شد تا قانون ملی شدن نفت و خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس را با قاطعیت به اجرا درآورد. دولت دکتر مصدق پس از روی کار آمدن بی‌درنگ هیئتی را به ریاست

## مقدمه

این روزها کمتر ذهنی وجود دارد که با واژه داعش بیگانه باشد. گروه نو ظهور بنیاد گرای اسلامی که به سرعت در عراق پیش روی کرده و دامنه سلطه خود را تا سوریه گسترش داده است. سر بر آوردن این گروه بنیاد گرا در عراق و گسترش سریع آن مرهون شکاف های اجتماعی موجود در جامعه عراق است، شکاف هایی که در اثر سیاست های اشتباه دولت در این کشور شکل گرفته اند. پس از سقوط رژیم بعث عراق و روی کار آمدن دولت شیعی، جامعه ی عراق شاهد تبعیض ملموس مذهبی بوده که موجب به حاشیه راندن سنی ها از صحنه سیاست شده است، در نتیجه این اقدام شکاف های مذهبی تشدید و فعال شده اند. هم چنین فساد موجود در ساختار دولتی سبب نارضایتی توده ی مردم از دولت مرکزی و تمایل آنها برای شکل گیری یک دولت دیگر در این پهنه جغرافیایی شده است. ناکارآمدی دولت در تقابل با حضور ایالات متحده در درون مرز های این کشور نیز از دیگر عوامل نارضایتی نسبت به دولت است. در چنین شرایطی که دولت در مقابل جامعه قرار گرفته زمینه ظهور و گسترش دولت اسلامی (داعش) در این کشور فراهم می شود.

کنار زدن سنی ها از صحنه سیاست که پیش از این حضور مستمری در دولت و نیروی نظامی کشور داشتند، آنها را ترغیب کرد تا به حضور داعش در این کشور تمایل یابند چرا که حضور داعش موجب بازگشت آنها به صحنه سیاست شد. نظامیانی که بقایای حکومت میلیتارستی رژیم بعث عراق بودند و پس از سقوط آن منفعیل شده بودند نیز توانستند با ظهور داعش به عرصه بازگردند. پیوستن این افراد به داعش خود یکی از عوامل قدرتمند شدن داعش بوده است.

سیاست داعش نسبت به رهبران محلی نیز از دیگر عوامل گسترش داعش در عراق است، وجود شکاف های قومیتی در عراق همواره یکی از عوامل تنش در این کشور بوده و داعش توانست از این قومیت گرایی در جهت اهداف خود بهره گیرد.



## علل گسترش سریع داعش در عراق

حسین عبدالهی\*

## مکیده

شکاف های اجتماعی موجود در جامعه عراق که دولت نیز به آنها دامن زده و موجب فعال شدن آنها شده سبب پذیرش سهل و سریع داعش در این کشور می شوند، ناکارآمدی دولت و تبعیض موجود در جامعه و هم چنین فساد موجود در ساختار دولت موجب نارضایتی مردم از دولت مرکزی است. از سوی دیگر دولت اسلامی به درستی از این شکاف ها بهره گرفته و توانسته خود را در نظر مردم مشروعیت بخشد و خود را گسترش دهد. میراث به جای مانده از حکومت رژیم ناسیونالیستی و میلیتاریستی بعث که شامل وجود نظامیان منفعیل، حضور ایالات متحده در عراق و تشدید دگماتیسم مذهبی است نیز موجب قدرتمند شدن سریع این گروه گشته است. از سوی دیگر برخی دولت های منطقه نیز به دلیل منافع خود از شکل گیری دولت اسلامی حمایت کرده و به روی جنایات آن چشم فرو بسته اند. در این شرایط شکل گیری یک محور مقاومت و در مرکز آن جمهوری اسلامی ایران تنها عامل عقب راندن و شکست دولت اسلامی می گردد.

می کرد و به متحدان خود اجازه میداد تا در محدوده های محلی زندگی مردم را تحت سلطه خود داشته باشند که موجب محدود کردن مردم در این نقاط بود و سبب نارضایتی مردم از دولت می شد. از دیگر مشکلات دولت مرکزی فساد موجود در ساختار آن بود به گونه ای دولت در کنترل مناطق مختلف ناکارآمد بود و باند های وسیع قاچاق و شبکه غیر قانونی در مناطق مختلف این کشور گسترش یافته و این نقاط را با یک اقتصاد بیمار رو به رو ساخته بودند.

در چنین شرایطی ظهور داعش یک فرصت برای رهایی از وضع موجود بود، داعش با سپردن مناصب به رهبران محلی و قرار دادن آنان به عنوان نماینده خود در نقاط مختلف تحت تصرف خود توانست از شکاف های قومیتی استفاده کند و رهبران محلی و مردم سنی احساس کردند می توانند بار دیگر در صحنه حضور یابند. از سوی دیگر داعش در این نقاط به مبارزه با فساد ناشی از ناکارآمدی دولت پرداخت. این عوامل سبب می شد تا داعش در چشم مردم نه یک گروه تروریستی و اشغالگر بلکه به گروهی تلقی شود که از میان درد های مردم و برای حمایت از آن ها سر برآورده بود. در نتیجه داعش نه با مقاومت مردم بلکه با استقبال آنها رو به رو شود و بتواند به سرعت در این مناطق پیشروی کند.

### میراث حکومت ناسیونالیستی (رژیم بعث در عراق

آنچه از حکومت بعث در عراق باقی ماند شدت یابی بنیادگرایی برخاسته از عدم توجه رژیم مذکور به اسلام بود. رژیم بعث با رویکرد ناسیونالیستی خود از یک سو اسلام گرایان را به حاشیه راند و موجب تحریک آنها شد و از سوی دیگر کردها را به یک قوم فراموش شده بدل کرد، این مسئله با حمله ایالات متحده به عراق به صورت یک تنش خودنمایی کرد. اسلام گراها با فروپاشی رژیم ناسیونالیست بعث فرصت رشد یافتند و تلفیق این امر با بحران ملت سازی در این کشور موجب فعال شدن گسل های مذهبی در این کشور شد. بنیادگرایان که با روی کارآمدن

دولت اسلامی با سپردن مناصب به رهبران محلی آنان را به صورت نماینده خود در نقاط مختلف مستقر کرد، این سیاست از یک سو باعث مشروعیت داعش در میان رهبران محلی و پذیرش آن از سوی مردم و از سوی دیگر موجب تقویت داعش از سمت آنها شد.

سیاست خشونت نیز از دیگر عوامل گسترش سریع این گروه بنیاد گرا است، خشونت عریان دولت اسلامی که از سوی خود آنها به نمایش گذاشته می شود از داعش یک لویاتان مخوف ساخته که آنها را پیروز جنگ روانی قرار می دهد. از سوی دیگر افراد منسوب به داعش با یک نگاه ایدئولوژیک و روحیه ای شهادت طلبانه می جنگند و این در شرایطی است که آنها در برابر یک ارتش بی انگیزه قرار دارند، هم چنین کردها که قوم از یاد رفته عراق هستند با حضور داعش احساس می کنند که می توانند در جامعه به گونه ای پر رنگ تر حضور یابند در نتیجه در ابتدا از دولت اسلامی حمایت می کنند و مانع از حضور و پیش روی آن ها در نقاط کرد زبان عراق نمی شوند.

تمامی این عوامل بر یک دیگر هم بار شده و در نتیجه موجب گسترش سریع دولت اسلامی در عراق می شوند، حضور داعش در عراق نه تنها برای مردم آزار دهنده نیست بلکه آنها از دولت اسلامی استقبال نیز می کنند. نوشته حاضر در صدد پاسخگویی به این سوال است که هر یک از این عوامل چگونه پدید آمده و هر کدام چه سهمی در گسترش دولت اسلامی داشته اند.

### جامعه و سرفوردگی از دولت

پس از سقوط رژیم بعث در عراق شیعیان وارد صحنه ی سیاست شدند. روی کارآمدن دولت شیعی در این کشور برابر بود با به حاشیه رانده شدن اهل سنت از ساختار دولت، این امر که موجب منفعل شدن بسیاری از مردم سنی در عراق بود سبب شد تا شکاف های مذهبی در جامعه تحریک شوند. این سیاست باعث آن شده بود که دولت در چشم مردم یک بیگانه تلقی شود، دولت همچنان از قدرت در سطح محلی به گونه ای آشکار سو استفاده



### نتیجه گیری

آنچه از نوشته حاضر دریافت می شود این است که تقابل دولت با جامعه و سر خوردگی مردم نسبت به دولت که برخاسته از ناکارآمدی ها و سیاست های اشتباه دولت نسبت به جامعه باعث آن می شود که جامعه به ظهور یک دولت جدید و یک نیروی رهایی بخش تمایل یابد. شکاف های موجود در جامعه که ریشه در تاریخ معاصر عراق دارند و دولت نیز به آنها دامن میزند زمینه ظهور این نیرو تحت عنوان داعش را فراهم میکند.

داعش نیز با شناخت درست این شکاف ها و بهره گیری به جا از آنها چهره خود را در نظر مردم مشروعیت می بخشد و بر خلاف تصورات با استقبال مردم رو به رو می شود. این استقبال گرم از داعش که برخاسته از درد های مردم بود سبب شد تا مانعی بر سر رشد دولت اسلامی شکل نگیرد و موجب گسترش سریع داعش در عراق شد.

از سوی دیگر حمایت برخی کشورها از دولت اسلامی که در جهت منافع خود آنهاست نیز موجب نفوذ بیشتر و قدرتمند شدن دولت اسلامی شده است. در نهایت شکل گیری محور مقاومت به محوریت جمهوری اسلامی ایران عامل عقب راندن داعش در عراق می شود که اگر وجود نداشت، مشخص نبود گسترش دولت اسلامی به کجا ختم می شد.

### منابع:

1. نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، حسین بشیریه، نشر نی ۱۳۷۴
2. در دام داعش، پی یرژان لویزار، ترجمه؛ ویدا سامعی، نشر نو ۱۳۹۵
3. بحران در خاورمیانه، مورلی میلتن ادوارد، پتر هینچ کلیف، ترجمه؛ شهرزاد رستگار شریعت پناهی، نشر قومس ۱۳۹۰

دولت شیعی با ساختار حکومت به تضاد رسیده بودند در صدد مقابله با آن برآمدند. این موضوع خود سبب ظهور و یکی از عوامل گسترش دولت اسلامی بودند. از سوی دیگر بقایای میلیتاریسم در این کشور که میراث دیگر رژیم بعث بود با دولت اسلامی پیوند یافت. نظامیانی که پس از سقوط رژیم بعث کنار گذاشته شده بودند با ظهور داعش توانستند دوباره به صحنه بازگردند. این کهنه سربازان رژیم بعثی در تقویت نیروی نظامی داعش نقش به سزایی داشتند.

حضور ایالات متحده نیز از مسائلی بود که در جریان سقوط رژیم بعث در عراق شکل گرفته بود. جریان های اسلام گرا و داعش در ابتدا با هدف بیرون راندن واشنگتن از عراق شکل گرفتند. در نتیجه میراثی که رژیم بعث در عراق به جای گذاشته بود خود زمینه ساز ظهور دولت اسلامی در این کشور شد و هم چنین به تقویت و گسترش آن کمک کرد.

### نقش دولت های منطقه در شکل گیری و گسترش داعش

برخی دولت ها منطقه با حمایت و یا چشم پوشی از جنایات داعش سبب پیشروی سهل و سریع آن شده اند، برخی دیگر از دولت های منطقه نیز با ترویج رویکرد و ایدئولوژی خود که در تضاد با این بنیادگرایان است موجب تحریک و تشدید تحرکات آنها شده اند. از شاخص ترین کشور هایی که به حمایت از دولت اسلامی پرداخته است می توان به عربستان سعودی اشاره کرد. علی رغم رنگ و لعاب ایدئولوژیک حمایت سعودی ها از داعش می توان ریشه این حمایت ها را در آرزوی هژمونی منطقه از سوی عربستان جستجو کرد. عربستان سعودی که همواره آرزوی هژمونی منطقه را در سر داشته با ظهور دولت اسلامی این فرصت را یافت تا با حمایت از این دولت حیطه نفوذ خود را در منطقه گسترش دهد و هم چنین از نفوذ رقیب منطقه ای خود یعنی جمهوری اسلامی ایران جلوگیری کند.





### چالش به نام ترامپ:

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در پاسخ به امضای قرارداد بین هند و روسیه در طی یک تعامل با خبرنگاران در دفتری اظهار داشت: "هند به زودی شانس خود برای قانون مقابله با اقدامات بی‌ثبات‌کننده ایران و تضمین بخشودگی تحریم‌ها را پیدا خواهد کرد. همچنین گزارش‌ها اخیر حاکی از آن که آمریکا در تلاش است تا هند را از طریق هواپیمای اف ۱۶ را به هند در ازای تحمیل "تحریم‌ها" تحت فشار قرار دهد. از سوی دیگر، هند تمایلی به خرید اف ۱۶، هواپیمایی که بیش از سه دهه در اختیار پاکستان بوده‌است، ندارد. هند در بسیاری از موارد به دولت واشنگتن این پیام را انتقال داده و تصمیمات سیاست خارجی آن مبتنی بر منافع ملی آن و چالش‌های فزاینده امنیتی است، به ویژه از چین و پاکستان. اقدامات یک جانبه ایالات متحده هند را در یک مخمصه سیاسی قرار داده‌است زیرا هند ترجیح می‌دهد به داشتن روابط دو جانبه با روسیه و ایران ادامه دهد چرا که هر دو کشور با توجه به ارتباط تاریخی و استراتژیک و هم‌چنین به دلیل وابستگی آن به کمک‌های نظامی و همکاری انرژی در هر دو کشور، حیاتی هستند.

مقاومت قابل‌پیش‌بینی هند با خواسته‌های آمریکا در مورد خرید دفاعی هند از روسیه به طور خاص به دلیل سه عامل اصلی است: روسیه به عنوان یک قدرت نظامی در دوران اخیر باعث تشویق هند به انتخاب آمریکا به عنوان یک تامین‌کننده دفاع جایگزین برای روسیه نمی‌شود که سخاوت آن‌ها در به اشتراک گذاری فن‌آوری دفاعی با هند در گذشته چندین بار به اثبات رسیده‌است.

4. خاورمیانه معاصر، مهران کامروا، ترجمه؛ محمد باقر قالیباف\_سید موسی پور موسوی، نشر قومس ۱۳۸۸

5. بررسی علل و عوامل شکل‌گیری داعش، محمدعلی بصیری\_الهه سالدورگر، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶، صفحات ۵۷۰-۵۳۳

6. برآمدن داعش در خاورمیانه: تحلیل جامعه‌شناختانه، محمد سالار کسرای\_سعیده داودی مقدم، فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۴، صفحات ۲۱۶-۱۹۱



### چالش هند در ایجاد توازن در روابط با آمریکا و روسیه

#### مقدمه

اجلاس سالانه دو جانبه بین هند و روسیه در ۴ اکتبر ۲۰۱۸ در زمانی مناسب برگزار شد زمانی که شراکت یکبار دیگر آزمایش شد. هند قراردادی ۵ میلیارد دلاری برای خرید سیستم پدافند هوایی "اس - ۴۰۰" از روسیه در طی نشست با وجود مخالفت‌های شدید از جانب آمریکا به امضا رساند. با امضای قرارداد، هند دوباره استقلال استراتژیک خود را به اثبات رساند هر چند که آمریکا از اعمال تحریم علیه تحریم‌های مبارزه با تحریم برای ادامه روابط دفاعی با روسیه هشدار داد. در این زمینه، دهلی‌نو قصد دارد با هدف بهبود توازن روابط خارجی خود در جهان، با قاره اروپا و نیز قدرت‌های دریایی هم‌کاری کند.

توسعه موفقیت‌آمیز موشک کروزر مافوق صوت، مورد توجه است.

ایالات متحده در نوامبر ۲۰۱۸ موافقت کرد که تحریم‌های ایران تا مارس ۲۰۱۹ معاف کند. با این حال، اگر آمریکا در تحمیل تحریم‌ها بر هند برای ادامه همکاری دفاعی با روسیه پافشاری کند، تأثیر این اقدام دوجانبه خواهد بود در نتیجه نه تنها هند بلکه منافع ایالات متحده را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

هند محور استراتژی‌های کشورهای آسیای جنوبی و هند غربی است و به عنوان یک متحد بالقوه برای پیشبرد منافع آمریکا به ویژه در منطقه هند و اقیانوس آرام ظاهر شده است. همچنین، آمریکا به دیدن هند از طریق منشور منافع ملی خود ادامه می‌دهد در حالی که عدم توجه به منافع هند نه تنها هند را به عنوان یک بازیگر کلیدی در منطقه هند و اقیانوس آرام شناسایی می‌کند، بلکه این کشور (هند) نیز یک قدرت شناخته شده اوراسیا است. در بسیاری از پایگاه‌های جهانی هندوستان درباره یکپارچگی اوراسیا که همکاری آن با روسیه و ایران حیاتی است، سخن گفته است. بنابراین، در تفسیر دولت واشنگتن بسیار بزرگ است و منافع هند که فراتر از نقش بالقوه‌اش در منطقه هند و اقیانوسیه فراتر می‌رود را تأیید می‌کند.

محور هند در هر دو منطقه اوراسیا و هند - اقیانوسیه به قدرت روابط دوجانبه خود با بازیگران خارجی، به ویژه با ایالات متحده، روسیه و چین، ادامه خواهد داد. هند یک مشارکت ویژه و ممتاز با روسیه دارد که نمی‌تواند به دلیل فشارهای خارجی تضعیف شود. در حالی که مبارزه با تهدید رو به رشد چین در هند و اقیانوسیه یک واقعیت است، ما باید به خاطر داشته باشیم که چین نیز بخشی از رویکرد سیاست خارجی هند است. علاوه بر این، هند در حال حفظ ارتباط با چین با هند است در حالی که به حفظ تعامل با دومی در نظرآزمایی‌های چندجانبه مانند سازمان همکاری شانگهای ادامه خواهد داد.

آنچه امروز تجربه می‌کنیم این است که سیاست خارجی همخوانی هند به "تبادل" تمام سه بازیگر اصلی (روسیه، چین و ایالات متحده) که از طریق نشست‌های غیررسمی با رئیس‌جمهور روسیه پوتین و اجرای موفقیت‌آمیز نشست‌های دوجانبه برگزار می‌شود، نشست با چین و گفتگوهای ۲+۲ با ایالات متحده است. در نتیجه، آمریکا طی سال‌های اخیر به عنوان یک شریک کلیدی برای هند ظاهر شده است. با این حال، اقدامات یک جانبه و رویکرد ایالات متحده نسبت به هند ممکن است چشم‌انداز همکاری بزرگ‌تر با دهلی‌نو در منطقه هند و اقیانوس آرام و امور جهانی را از بین ببرد. پیشرفت آشکار هند در امور جهانی در سال‌های اخیر، پتانسیل بازار عظیم آن - هم از نظر اقتصاد و هم از نظر بخش دفاعی - جنبه کلیدی برای تقویت شراکت استراتژیک هند - آمریکا بوده است. از این رو ممکن است با توجه به اهمیت همکاری‌های استراتژیک دو دولت در حوزه اقیانوس هند و اقیانوس آرام، ایالات متحده نسبت به ادامه سرمایه‌گذاری در هند سیاست‌های گذشته را ادامه دهد و از بازبینی در آن جهت فشار بر هند اجتناب کند.

Rekha, C. (2018, November 19). INDIA'S CHALLENGES IN 'BALANCING' ITS

ترجمه شده از پریسا علیدوست معاف

برای وحشت انداختن بین مردم و یا وادار کردن دولت به انجام یا عدم انجام کاری که شخص هدف را در برداشته باشد.

جمهوری اسلامی ایران تا به امروز این کنوانسیون را به تصویب نرسانده است اما اخیراً صحبت‌هایی می‌شود برای این که ما بتوانیم از لیست سیاه سازمان FATF اطلاعاتی از دولت ایران به دست آوریم که CFT یکی از آن مواردی است که باید از لیست سیاه چهارم FATF بیرون بیاید تا مبادلات مالی ایران با سایر بانک‌های بین‌المللی و سایر کشورها برقرار شود. ما در رابطه با مبارزه با تأمین مالی تروریسم، قانون داخلی داریم همین قانون این کنوانسیون را تصویب نکردیم.

عنوان این کنوانسیون در رابطه با تأمین مالی تروریسم است نه خود تروریسم. وقتی گروه‌های تروریستی فعالیت دارند و همواره به اقداماتی دست می‌زنند، این‌ها نیاز به بودجه و کمک‌های مالی دارند اگر عملیاتی قرار است صورت بگیرد، یا زمانی که نیاز به سلاح و ابزارهای جنگی دارند و همچنین افرادی که در حال انجام عملیات هستند، نیاز به حقوق مالی دارند. این کنوانسیون می‌خواهد از راه‌های تأمین بودجه برای تروریسم جلوگیری بکند و راه‌های انتقال پول به گروه‌های تروریستی را ببندد.

این کنوانسیون در حالت کلی مدافعان و مخالفان خاص خودش را دارد و این که چرا ما تا به الآن به جمع تصویب‌کنندگان این کنوانسیون نپیوستیم، دلایل خاص خودش را دارد. عامل اول مقایسه‌ی بین این کنوانسیون و قانون داخلی ما در رابطه با تأمین مالی تروریسم که اگر مقایسه‌ای بشود، تفاوت‌های به‌طور مشخص نمایان می‌شود.

علت اصلی برمی‌گردد به کشورهایی که با کشورهای اروپایی در تعریف تروریسم اختلاف نظر دارند. همان‌طور که در قسمت اول بحث گفته شد. به هر عمل مجرمانه گفته می‌شود که در قانون به آن اشاره شده است اما در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم که به‌موجب ماده یک مصوب به سال ۱۹۹۴ تروریسم را تعریف

## شرح مصاحبه با دکتر مهین سبمانی استادیار

### گروه مقوق دانشگاه گیلان



### CFT چیست؟ چه سود یا ضرری برای ایران دارد؟

سوالاتی که در این گفتگو مطرح شده است، به شرح زیر می‌باشد:

\* CFT چیست؟ توفیمات لازم را بفروائید.

\* این کنوانسیون چه تعهداتی برای کشورهای که در آن عضویت دارند، ایجاد می‌کند؟

\* دلایل ایران برای عدم تصویب این کنوانسیون چه می‌باشد؟ پیامدهای تصویب آن چیست؟

\* نقش قدرت‌های بزرگ در تصویب و فراملی کردن این پنین کنوانسیون‌هایی بقدر نمایان است و چه منافع را برایشان در بردارد؟

کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در اواخر قرن بیستم تصویب شده است. در این کنوانسیون برخلاف سایر معاهداتی که در رابطه‌ی مبارزه با تروریسم هست، می‌توان گفت اولین معاهده‌ی الزام‌آوری است که تروریسم را تعریف کرده. تحت این عنوان تروریسم به هر عمل مجرمانه‌ای که قصد ارباب مردم یا وادار کردن دولت به اتهام یا عدم انجام کاری صورت می‌گیرد؛ که هر عمل مجرمانه را دربرمی‌گیرد. همانند قتل، منظور از قتل این که انگیزه‌های شخصی در آن نهفته نباشد بلکه به‌عنوان ترور باشد

کرده که تقریباً شبیه به کنوانسیون است که تکرار تعریف قبلی است.

اما چیزی که قانون جمهوری اسلامی ایران را از کنوانسیون متمایز می‌کند، تبصره دو ماده یک قانون داخلی ما است. به موجب این تبصره؛ افراد، ملت‌ها، گروه‌ها یا سازمان‌های آزادی‌بخش برای مبارزه با استعمار و اشغال خارجی و یا یک رژیم نژادپرست واکنش نشان می‌دهند. از مصادیق اقدامات تروریستی این قانون این استثناء است اما در کنوانسیون نیامده است. گروه‌های آزادی‌بخش که با یک اشغال خارجی در حال مبارزه هستند مثل گروه‌های جهاد اسلامی یا حماس که از نظر ما گروه‌های آزادی‌بخش هستند که با یک دولت اشغال‌گر در حال مبارزه هستند پس اقدامات انجام‌گرفته توسط این‌ها هرچند منطبق با تعریف قبلی باشد (حمله مجرمانه به قصد ارباب و سلطه‌گری) از نظر ما گروه‌های تروریستی نیستند اما کشورهای اروپایی و یا کشورهای عضو کنوانسیون معتقد هستند که عملاً حتی اگر توسط گروه‌های آزادی‌بخش هم صورت بگیرد، به عنوان تروریسم شناخته می‌شوند و هیچ استثنایی برایشان قائل نیستند.

دولت ایران باید از حق شرط استفاده بکند.

تا به اینجا شبهه‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه آن چیزی که در کنوانسیون تعریف‌شده ناظر بر سازمان‌های آزادی‌بخش نیست و این سازمان‌ها را خودمان تعیین می‌کنیم و خلاصه عوامل دیگری را هم شامل می‌شود.

و دلیل اصلی مخالفان تصویب این کنوانسیون این است که در صورت تصویب آن راه برای کمک به گروه‌های مقاومت بسته می‌شود یا به نوعی خودمان عامل بستن راهی که در پیش داریم، می‌شویم

نقش قدرت‌های بزرگ در تصویب و فرامولی کردن این چنین کنوانسیون‌هایی چقدر نمایان است و چه منافعی را برایشان در بردارد؟

تروریسم در واقع چیزی است که همه‌ی کشورها به واسطه‌ی آن متضرر می‌شوند و کشور ما هم از این ضررها مصون نمانده است و پدیده‌ای علیه کشوری خاص نیست.

در حقوق بین‌الملل سندی که تصویب می‌شود حاصل اجماع کشورها است؛ یعنی اکثریت کشورها آن را به تصویب رسانده‌اند و این اکثریت، اکثریت کشورهای قدرتمند نیست و نمی‌توان گفت حاصل قدرت‌های بزرگ است بلکه حاصل توافقی بین اکثریت کشورها است.

بنابراین تعریف تروریست یک تعریف چالش‌برانگیز است و اگر تعریف راحتی بود ما می‌توانستیم یک کنوانسیون داشته باشیم در رابطه با خود تروریسم در حالی که چنین چیزی نداریم.

مصاحبه‌کننده: سید حسین موسوی کردمیری

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه گیلان

## شرح مصاحبه با دکتر رضا سیمبر استاد تمام گروه

### علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه گیلان



## سیاست خارجی آمریکا به ویژه دونالد ترامپ در قبال ایران؛

سوالاتی که در این گفتگو مطرح شد به شرح زیر است:

### \*از سیاست خارجی دونالد ترامپ در قبال ایران چه

برداشتی دارید؟

در عرصه جهانی است در برابر این تغییر واکنش نشان می‌دهد. آمریکا که در عرصه های اقتصادی، نظامی و سیاسی حرف اول را می‌زند و نظام پولی و بانکی دنیا را تحت سیطره و در سازمان های بین المللی به عنوان قدرت برتر حضور دارد مسلماً با کنشگرانی که با راهبرد او همخوانی ندارند برخورد خواهد کرد. در واقع آمریکا کشوری است که بر حفظ وضع موجود تاکید دارد چرا که نظم موجود به نفع این کشور است. بعد از فروپاشی شوروی، در جهان تک قطبی این آمریکا است که بیشترین سود را به عنوان قطب مسلط می‌برد و مطمئناً با نیرویی که بخواهد با سیاست متفاوتی در عرصه جهانی قدرت نمایی کند مقابله خواهد کرد.

ایران نیز نیرویی است که منتقد ساختار ناعادلانه نظام بین الملل، انتقاد به این ساختار و خواسته های دیگری همچون خروج ایالات متحده از خاورمیانه موجب ایجاد تنش است. به طور جزئی تر در رابطه با دونالد ترامپ که یکی از نمایندگان ایالات متحده است که همواره در برابر منتقدین به نظام بین الملل قد علم کرده‌اند. از سوی دیگر ترامپ یک فرد تجارت پیشه است که تجاری سازی اقتصاد آمریکا و توجه ویژه به اولویت ایالات متحده بر جهان در دستور کار او بوده و اینگونه تجارت را با ناسیونالیسم آمریکایی آمیخته است و ظاهراً در دوره ریاست جمهوری او چیزی تغییر نکرده و تحریم هایی که چهار دهه بر ایران اعمال می‌شد، ادامه یافته است.

اگر دونالد ترامپ در انتخابات سال ۲۰۲۰ مجدداً کرسی قدرت را به دست بگیرد امکان اینکه تحریم ها علیه ایران شدت یابد بسیار است مگر اینکه نهادهای تاثیر گذار آمریکا راهکار دیگری را انتخاب کنند.

ناگفته نماند که دکتر سیمبر معتقدند دموکرات ها و جمهوری خواهان تفاوت چندانی ندارند و هر دو در قبال ایران سیاست واحدی را دنبال می‌کنند، اندک تفاوت میان این دو حزب این است که دموکرات ها بیشتر بر مسائل حقوق بشی تمرکز دارند

**\*اگر دونالد ترامپ مجدداً کرسی قدرت در ایالات متحده را به دست بگیرد، راهکار جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجه چه خواهد بود؟**

**\*اگر جمهوری اسلامی ایران در برافورد با ایالات متحده سیاست نرم تری را پیش بگیرد، این امر چه پیامدی خواهد داشت؟**

**\*ایران برای موازنه قدرت با آمریکا تا چه حد قادر به حرکت به سمت کشورهای همپون (روسیه، چین و یا اروپا) خواهد بود؟**

**\*تلاش آمریکا برای تغییر سیاست ایران بیشتر متمرکز بر چه زمینه هایی است؟**

**\*افزایش فشار ها بر کشور پقدر در میزان آراء فاکستری تاثیر گذار است؟**

در رابطه با سیاست خارجی آمریکایی ها، در حالت کلی آمریکایی ها بعد از انقلاب اسلامی ایران یک رویکرد خصمانه نسبت به ایران داشته اند. آنها جایگاه خود در منطقه را از دست دادند، رژیمی در ایران سرکار آمد که استقلال خواهی را مطرح کرد که با تفکر قلدر مآبانه آمریکا در منطقه همخوانی نداشت و طبیعی بود که این چنین خصومت هایی گسترش پیدا کند و آمریکا دست به اعمالی همچون کودتای نوژه یا به رسمیت نشناختن جمهوری اسلامی ایران و کمک به نیروهای معاند با انقلاب اسلامی ایران بزند. بحث تحریم ها نیز در تمام این چهل سالی که از عمر این انقلاب می‌گذرد در همین راستا بود و حتی باراک اوباما که گفته می‌شد سیاست نرم تری نسبت به بقیه در رابطه با ایران داشته باشد در دوره ریاست جمهوری خود سخت ترین تحریم هارا نسبت به ایران اعمال کرد.

به تعبیر دکتر رضا سیمبر، ایران نیرویی است که خواستار تغییر در دیپلماسی و روابط بین الملل است و آمریکا که یک هژمون

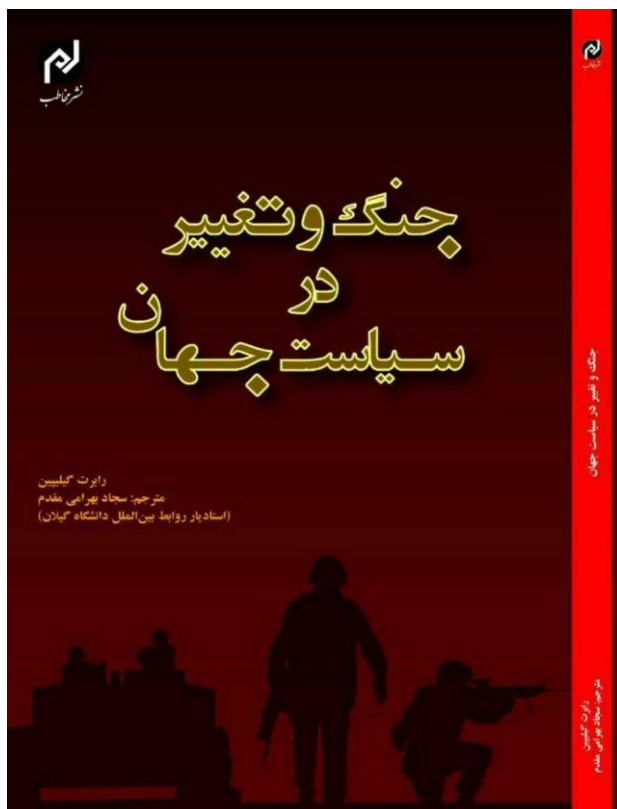


دکتر سیمبر به عنوان حسن ختام بازهم بر سرمایه اجتماعی تاکید کرده و بر ثبات داخلی متمرکز بودند.

مصاحبه کننده: سید حسین موسوی کردمیری

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه گیلان

### معرفی کتاب:



### شرح مختصری بر کتاب جنگ و تغییر در سیاست جهان:

رابرت گیلپین استاد سیاست و امور بین الملل در مدرسه ی وودرو ویلسون وابسته به دانشگاه پرینستون بود. او از موسسین رشته اقتصاد سیاسی بین الملل در ایالات متحده است و بیش از همه برای کارهایی شهرت دارد که در زمینه ی اقتصاد سیاسی بین الملل انجام داده است. در واکنش به کسانی که می گفتند واقع گرایی بیش از حد به سیاست امنیت نظامی توجه دارد و معمولاً از نیروهای اقتصادی غافل می ماند گیلپین می کوشد تا بررسی سیاست بین الملل را (که با نقش قدرت در شکل گرفتن مناسبات میان دولت ها سرو کار دارد) از نو با نیروهای اقتصادی

اما جمهوری خواهان بیشتر بر پارامتر های نظامی مانور می دهند که این مسئله مختص به نگاه آنان به ایران نیست. در چنین شرایطی که جمهوری اسلامی ایران پایبند به قوانین و عقاید خود است هر دو حزب دشمنی خود را به طور علنی اعلام می کنند و در برابر سیاست های ایران اسلامی واکنش نشان می دهند.

در گفتمان فعلی انقلاب اسلامی تنها راه مقابله با آمریکا این است که ما مولفه های قدرت خود را تقویت کنیم، قانون اساسی ما که حمایت از مستضعفان جهان را مطرح کرده در گرو این است که قدرتمان را افزایش دهیم و همانطور که از بحران های دشوار تر از این سربلند بیرون آمدیم از بحران پیش رو نیز عبور کنیم. می توان امیدوار بود و البته باید توجه داشت که سیاست خارجی ما در ادامه سیاست داخلی ماست و باید اعتماد و همکاری مردم با نظام بیشتر شود و همچنین باید سعی در حفظ سرمایه اجتماعی داشت. اگر ما بر این باشیم که با تحریم ها شکست خواهیم خورد در اشتباه هستیم مگر اینکه سرمایه اجتماعی از دست برود و دولت پشوانه ی مردمی خود را از دست بدهد.

آنچه مشخص است این است که ما باید در سیاست داخلی در پی عدالت اجتماعی، مبارزه با فساد، شفاف سازی و قص علی هذا باشیم و نسبت به چنین مواردی مطالبه گری کنیم، در این اثنا باید میان مردم و حکومت اعتماد سازی شود.

اما در مورد مسئله آراء خاکستری بازهم بحث اعتماد مطرح است که اگر سیاست های اشتباه و عدم نظارت صحیح بر سیستم بروکراسی ادامه یابد با گذر زمان مسلماً بر تعداد این آراء افزوده خواهد شد. در رابطه با موازنه قدرت و حرکت به سوی کشورهایی مانند روسیه، چین و اتحادیه اروپا نیز باید گفت هر چند این کشور ها اهداف منطقه ای مشترکی با ما دارند اما اگر در دوراهی آمریکا-ایران قرار بگیرند مطمئناً آمریکا را در اولویت قرار می دهند، در میان این نیروها اروپا از نظر امنیتی، سیاسی و اقتصادی منافع مشترکی با آمریکا دارد اما روس ها و چینی ها بیشتر منافع خود را در دستور کار قرار می دهند.



اند که بازیگران خصوصی می توانند با مبادله ی حقوق مالکیت خود، آن ها را میان خودشان خرید و فروش کنند. ولی خود بازارها هم برای تأمین اجبارآمیز قوانین و مالیات ها، و برخی «ارزش های عمومی» که خود بازارها نمی توانند تولید کنند به دولت وابسته اند. این ارزش های عمومی شامل زیرساخت حقوق و قوانین مالکیت برای الزام آور ساختن قراردادها، زیرساختی اجبارآمیز برای تضمین اطاعت از قوانین و واسطه ی پایداری برای مبادله (پول) برای تضمین ارزش گذاری یکنواخت روی کالاها و خدمات است در داخل مرزهای سرزمینی دولت، حکومت ها چنین ارزش هایی را تأمین می کنند. به یقین، در سطح بین المللی هیچ گونه دولت جهانی که قادر به تأمین همین ارزش ها در مقیاس همه ی جهان باشد وجود ندارد. گیلپین بر اساس آثار چارلز کیندلبرگر و تحلیل ادوارد هالت کار درباره ی نقش انگلستان در اقتصاد بین المللی سده ی نوزده مدعی است که ثبات و «آزادی» مبادلات بین المللی بستگی به وجود یک «قدرت چیره» دارد که هم قادر و هم مایل به تأمین «ارزش های عمومی» بین المللی مانند قوانین و نظم و پول باثباتی برای تأمین مالی تجارت باشد.

سمت و سوی کلی بحث گیلپین را می توان در سه کتاب که مهم ترین آثار او به شمار می روند یعنی قدرت ایالات متحده و شرکت چند ملیتی (۱۹۷۵)، جنگ و تغییر در سیاست جهان (۱۹۸۱) و اقتصاد سیاسی بین الملل (۱۹۸۷) یافت. کتاب اقتصاد سیاسی بین الملل او قبلاً به فارسی ترجمه شده است. هم اکنون کتاب جنگ و تغییر گیلپین توسط نشر مخاطب به قلم سجاد بهرامی مقدم منتشر شده است این کتاب برای علاقمندان به رشد و زوال جوامع و هژمون ها کتابی ارزنده و آموزنده است. این کتاب جزو منابعی است که در معتبرترین دانشگاه های جهان در حوزه اقتصاد سیاسی بین الملل و سیاست بین الملل برای مطالعه به دانشجویان و پژوهشگران معرفی می شود.

بین المللی (که به سرشت و پویش های شرکت ها در بازار باز می گردند) یکپارچه سازد. از این گذشته، از معدود واقع گرایانی است که به ویژه هنگام تبیین ظهور و سقوط دولت ها در گذر زمان به دگرگونی توجه دارد تبیین این مسئله یکی از حوزه های بررسی روابط بین الملل است که در یکی دو دهه ی گذشته روبه رشد بوده است. این حوزه از دو منبع الهام می گرفت؛ یکی نگرانی از بابت افول اقتصادی آشکار ایالات متحده نسبت به اروپا و ژاپن در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، و دیگری استدلال های بسیاری از لیبرال ها دایر بر این که رشد وابستگی متقابل اقتصادی میان دولت ها موجب تضعیف قدرت آن ها و نیز رابطه ی تاریخی میان نیروی نظامی و توانایی حفظ منابع ملی دولت شده است.

آثار گیلپین نشان دهنده توجه مستمر او به نقش قدرت و مدیریت منابع توسط دولت است. نخستین اثر بزرگی که از او منتشر شد به بررسی تنش هایی اختصاص داشت که در دهه ی ۱۹۵۰ به میان دانشمندان هسته ای امریکایی و دولت آن کشور بر سر سیاست های تسلیحاتی هسته ای بروز کرده بود. ولی مهم ترین کارهای او در میانه ی دهه ی ۱۹۷۰ و دهه ی ۱۹۸۰ منتشر شد که دوران زرین اقتصاد سیاسی بین الملل بود. برخلاف آنان که می گفتند رشد وابستگی متقابل اقتصادی دولت را متزلزل ساخته و از موضوعیت قدرت نظامی اجبارآمیز برای تعیین نفوذ اقتصادی در امور جهان کاسته است گیلپین مدعی بود که نظم تجاری بین المللی لیبرال وابسته به همان عواملی که ادعا می شود تضعیف شده اند یعنی وابسته به وجود دولت قدرتمندی است که بتواند آن چه را «ارزش های عمومی» بین المللی خوانده شده است تأمین کند.

استدلال اساسی بدین قرار است: در نبود دولتی که قادر به تأمین برخی پیش نیازها باشد بازارها نمی توانند از لحاظ تولید و توزیع کالاها و خدمات شکوفا شوند. طبق تعریف، بازارها از طریق سازوکار قیمت گذاری کارآمد به انتقال کالاها و خدماتی وابسته

## مروری بر عملکرد انجمن علمی علوم سیاسی در سال ۹۷



سخنرانی دبیر انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه گیلان به عنوان دبیر اتحادیه علوم سیاسی کشور در رابطه با وضعیت علوم سیاسی در ایران و ارائه راهکار برون رفت از این بحران



### رویداد تابستانه علوم سیاسی:

پیرامون یادگیری مهارت‌های ملزوم حرفه سیاست، چگونگی ورود به این عرصه، نقش احزاب در هدایت سیاستمدار و.....



### پیشم انداز روابط ایران و روسیه:

پیرامون ظرفیت همکاری و افق‌های پیش رو دو کشور، منافع و اهداف مشترک و چگونگی سازماندهی روابط ایران و روسیه

از منظر جمهوری اسلامی ایران رسیدن به روابط بین المللی مطلوب، مستلزم ایجاد تغییر و دگرگونی در کارگزاران نظام بین المللی، فرایندها و دستور العمل‌های جهانی است. نظامی که در آن همه حقوق انسان‌ها رعایت شود و امکان همزیستی و روابط مسالمت آمیز فراهم می‌آید. چرا که به اعتقاد جمهوری اسلامی ایران، آنچه در سافت‌پولسی عینی نظام بین المللی رخ داده، ناشی از روابط سیاسی نابرابر، اعمال سلطه، نفوذ قدرت‌های بزرگ و وابستگی سیاسی کشورهای تحت سلطه است.

شهید محمد علی (جایی

انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه گیلان

مجله دیپلمات